

سلسله نشست‌های

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

دستاوردها، ظرفیت‌ها و چشم‌اندازها

عنوان پژوهش

جایگاه زن و خانواده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

شماره مسلسل: ۱۳۹۹۰۰۰۱۷

تاریخ: ۱۳۹۹/۱۲/۲۴



فهرست مطالب

موضوع نشست.....	۲
مقدمه.....	۴
نقش زنان در پیشرفت و توسعه‌ی جامعه‌ی ایرانی.....	۵
۱- لزوم توجه به حقوق زنان در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای.....	۵
۲- نقش موثر زنان در فرآیند توسعه.....	۷
۳- لزوم توسعه توانمندسازی و مشارکت فعال زنان.....	۷
۴- جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه‌ای پس از انقلاب.....	۸
قانون‌گذاری در حوزه‌ی زن و خانواده مبتنی بر ظرفیت‌های قانون اساسی.....	۱۱
۱- اهمیت موضوع زنان و خانواده در قانون اساسی.....	۱۱
۲- جایگاه زنان در قوانین عادی کشور.....	۱۲
۱-۲- وجود قوانین حمایتی از زنان.....	۱۵
ضرورت جهت‌گیری قوای سه‌گانه در تحقق اصل ۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....	۲۱
۱- مروری بر جایگاه خانواده در اسناد بالادستی و قوانین عادی.....	۲۱
۱-۱. اهمیت خانواده در سیاست‌های کلی خانواده.....	۲۲
۱-۲. اهمیت خانواده در مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی.....	۲۲
۱-۳. اهمیت خانواده در قوانین عادی.....	۲۲
۲- سازکار نیل به اهداف مقرر شده در خصوص جایگاه زن و خانواده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.....	۲۲
۱-۲. ضرورت داشتن نقشه راه و الگوی مطلوب خانواده.....	۲۳
۲-۲. لزوم وضع قوانین و مقررات در راستای نقشه راه و الگوی مطلوب خانواده.....	۲۴
۳- آسیب‌شناسی نظام خانواده مبتنی بر بنیان‌های نظام اسلامی.....	۲۷
۴- اهمیت اقدام و عمل در حوزه‌های مختلف با محور قرار دادن بنیان خانواده.....	۲۹
۵- ضرورت وجود مشاورانی امین، متعهد و متخصص در دادگاههای خانواده.....	۳۰
نقش و جایگاه زن و خانواده در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران.....	۳۲
۱- محوریت زن در خانواده.....	۳۲
۲- اهمیت قاعده زوجیت در نظام تکوین و تشریح.....	۳۲
۳- مقایسه تطبیقی نظام خانواده در جمهوری اسلامی ایران با اسناد حقوق بشری و دیگر کشورها.....	۳۴
۴- لزوم تدوین سازکارهای لازم برای اصلاح نظام خانواده.....	۳۶
۵- نقد عملکرد قوه قضائیه در حوزه خانواده.....	۳۸
۶- نقد عملکرد قوه مقننه در حوزه خانواده.....	۴۲

موضوع نشست

جایگاه زن و خانواده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۱

۱. اصول مرتبط و متناظر با موضوع خانواده و زن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

۱- از مقدمه قانون اساسی: « زن در قانون اساسی - در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استعمار همه‌جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود. خانواده، واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشد‌یابنده انسان است اصل اساسی بوده و فراهم کردن امکانات جهت نیل به این مقصود از وظایف حکومت اسلامی است. زن در چنین برداشتی از واحد خانواده، از حالت «شیء بودن» و یا «ابزار کار بودن» در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استعمار، خارج شده و ضمن بازیافتن وظیفه خطیر و پُر ارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیش‌آهنگ و خود هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.»

۲- اصل ۱۰ قانون اساسی: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.»

۳- اصل ۲۰ قانون اساسی: « همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.»

۴- اصل ۲۱ قانون اساسی: «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

- ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او
 - ۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی‌سرپرست
 - ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کبان و بقای خانواده
 - ۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست
 - ۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.»
- اصل ۴۳ قانون اساسی: «برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه. ۲-...»

مدعوین

دکتر محمد روشن

دکتر علی بهادری جهرمی

دکتر الهه مرندی

دکتر خدیجه مظفری

مکان نشست: دانشگاه الزهراء (س)

زمان نشست: ۱۳۹۸/۷/۳۰

مقدمه

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از مترقی‌ترین قوانین اساسی در دنیا توجه ویژه‌ای را به موضوع زن و خانواده داشته است. این نگاه منبعث از آموزه‌های دین مبین اسلام و مکتبی بودن نظام جمهوری اسلامی ایران است. بر این اساس بر خلاف جوامع غربی، زن از حالت شیء بودن و یا ابزار بودن در خدمت اشاعه مصرف زدگی و استثمار خارج شده و به‌عنوان رکن تشکیل بنیان خانواده شناخته می‌شود. مطابق قانون اساسی، همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و دولت مکلف است حقوق زنان را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید. بر این اساس شناسایی ظرفیت‌های قانون اساسی در موضوع زنان و خانواده و تبلور آن در حوزه‌های تقنین، اجرا و قضا می‌تواند شأن و کرامت زنان در جامعه اسلامی را حفظ نموده و جایگاه خانواده را ارتقا بخشد. در این راستا نشست علمی، تحت عنوان «جایگاه زن و خانواده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» با حضور جناب آقای دکتر علی بهادری جهرمی، جناب آقای دکتر محمد روشن، سرکار خانم دکتر الهه مرنندی و سرکار خانم دکتر خدیجه مظفری در دانشگاه الزهرا (س) برگزار شد. از جمله مباحث مطرح شده در این نشست می‌توان به نقش زنان در پیشرفت و توسعه‌ی جامعه‌ی ایرانی، قانون‌گذاری در حوزه‌ی زن و خانواده مبتنی بر ظرفیت‌های قانون اساسی، ضرورت جهت‌گیری قوای سه‌گانه در تحقق اصل ۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نقش و جایگاه زن و خانواده در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد.

نقش زنان در پیشرفت و توسعه‌ی جامعه‌ی ایرانی

(دکتر الهه مرندی)^۱

من در ابتدا می‌خواهم درباره‌ی موضوع جایگاه زن و خانواده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و از نگاه حقوق بشری صحبت کنم. بدین صورت که در واقع در قانون اساسی حقوق زن به عنوان حقوق شخصی، فردی و آن چیزی که ما در زبان انگلیسی از آن تحت عنوان «حق» نام می‌بریم، مطرح می‌شود و در واقع در این رویکرد از این جهت به قانون اساسی نگاه می‌شود که آیا اساساً نگاه حقوق بشری به زنان، در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته یا خیر؟ اما در کنار این نگاه، همان طور که در قانون اساسی و به ویژه در مقدمه آن تأکید شده و من نیز به عباراتش اشاره خواهم کردم، ما می‌توانیم رویکرد دیگری به این موضوع داشته باشیم؛ در این رویکرد، نگاه به زن به عنوان عضوی از جامعه است که در تحقق سعادت کل جامعه بشری نقش دارد. در اینجا ما اختصاصاً جامعه خودمان را در نظر می‌گیریم.

۱- لزوم توجه به حقوق زنان در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای

ما در ابتدا باید در قوانین اساسی نگاه ویژه‌ای به شخصیت زن و رعایت حقوق مالی و معنوی او، به عنوان حقوق شخصی، فردی و نیز حقوق بشری که مسئله مهمی است، داشته باشیم؛ این نگاه که جزء وظایف اساسی دولت‌ها محسوب می‌شود، بایستی در اولویت قرار بگیرد. در کنار این نگاه، باید به مسئله‌ی زن و خانواده به عنوان عاملی در سعادت، پیشرفت و رفاه کل جامعه نگاه بکنیم؛ یعنی باید سعادت و رفاه کل جامعه در گرو رعایت این حقوق تلقی شود. به عبارت بهتر از سویی ما سعادت جامعه را در گرو سعادت افراد می‌بینیم و از سوی دیگر حقوق زن در قانون اساسی مورد تأکید قرار گرفته و به صراحت، دولت موظف به احیای حقوق مادی و معنوی افراد شده است، بنابراین باید حقوق زنان در برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای هم مورد توجه قرار بگیرد. در واقع این مسئله منجر به توسعه و زندگی بهتر برای کل افراد جامعه اعم از زن و مرد می‌شود. بنده تأکید می‌کنم که توجه به حقوق مندرج در قانون اساسی صرفاً به عنوان حقوق مربوط به یک قشر از جامعه یعنی زنان نباشد، بلکه در یک نگاه کلان به عنوان توجه به عضوی از جامعه باشد که توجه به

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه الزهرا(س).

حقوق آن، می‌تواند به سعادت و زندگی بهتر کل افراد جامعه منجر شود. این نگاه دقیقاً مبتنی بر آن چیزی است که امروزه تحت عنوان مباحث توسعه‌ای و توسعه‌ی انسانی مطرح می‌شود و در برنامه‌های توسعه‌ای کشورها تنظیم می‌شود. اما اینکه این نگاه چه ارتباطی با برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ای دارد، به مبحث توسعه انسانی و شاخص‌های آن برمی‌گردد. همان‌طور که دوستان اطلاع دارند، در مقدمات مباحث حقوقی و مقدمه علم حقوق بیان می‌شود که قانون اساسی بیانگر اهداف و آرمان‌ها است. بنابراین برای اینکه این قانون در جامعه تجلی پیدا بکند، به شکل سلسله مراتبی ذیل اسناد دیگر ظهور پیدا می‌کند. این اسناد عبارت هستند از اسناد چشم‌انداز، سیاست‌های کلی نظام، قوانین برنامه‌ای توسعه و نهایتاً قوانین عادی. من می‌خواهم ارتباط برنامه‌های توسعه را با نگاه به حقوق زنان در اصولی از قانون اساسی که به حقوق زنان اشاره می‌کند مورد توجه قرار دهم؛ اساساً این ارتباط به این موضوع برمی‌گردد که برنامه‌های توسعه در جوامع چه نقشی دارد و نیز اینکه این برنامه‌ها به چه صورتی در نظام‌های حقوقی مطرح شده و مطرح می‌شود.

در عصر حاضر، میل جوامع به سوی پیشرفت و کمال را تحت عنوان توسعه، یاد می‌کنند. امروزه توسعه در تمام ابعاد خودش از جمله مهم‌ترین موضوعات مطرح در هر جامعه‌ای است. در جامعه ما هم موضوع توسعه از جمله موضوعات مطرح است که نگاه ما به مقوله توسعه، با توجه به رویکرد اسلامی که در نظام ما وجود دارد، رویکردی ایرانی و اسلامی است که بحث مفصل مربوط به خودش را دارد. در کنار آن برنامه‌های توسعه‌ای، ما قوانین برنامه پنج ساله توسعه را در نظام حقوقی خودمان می‌بینیم. امروزه به دلیل اینکه میل به توسعه مهم‌ترین موضوع مطرح در هر جامعه‌ای است، کشورها به این سمت سوق پیدا کرده‌اند که برنامه‌های توسعه‌ای برای خودشان تنظیم بکنند. سرمایه همیشه محور اصلی بخش‌های توسعه‌ای بوده است. سال‌ها سرمایه‌ی مادی عامل توسعه به شمار می‌رفت، اما با مشخص شدن نقش ارزنده نیروی انسانی در توسعه، در واقع گونه دیگری از سرمایه، یعنی سرمایه انسانی به تدریج در برنامه‌های توسعه وارد شد و جای پای خودش را در برنامه‌های توسعه پیدا کرد. امروزه در تمامی نظریات توسعه، تاکید بر انسان، استفاده از توانمندی‌های انسان و توسعه منابع انسانی مطرح است.

۲- نقش موثر زنان در فرآیند توسعه

از آنجایی که هر جامعه‌ای متشکل از زنان و مردان است و با توجه به اینکه این‌ها وابستگی متقابل با هم دارند، هر یک دارای نقش و کارکرد ویژه خودشان هم هستند. در چند دهه اخیر، توجه به نقش موثر زنان در فرآیند توسعه بسیار مورد توجه قرار گرفته است. دلیل این امر آن است که در حال حاضر، زنان نیمی از جمعیت هر جامعه را تشکیل می‌دهند. بنابراین وقتی در فرآیند توسعه‌ی جامعه‌ای، بالفعل‌سازی ظرفیت‌های زنان مورد توجه قرار گیرد، نتایج مهمی به بار می‌آورد. اهمیت نقش زنان در توسعه موجب شده تا مسائل مربوط به شرکت همه جانبه زنان در فرآیند برنامه‌های توسعه ملی مورد توجه قرار گیرد. این موضوع تقریباً از دهه هفتاد میلادی به تدریج وارد دستور کار سازمان‌های توسعه‌ای و عمران ملی و بین‌المللی شده‌اند. نکته‌ای که وجود دارد و به بحث ما مربوط می‌شود، امروزه در مفهوم توسعه انسانی به جای تمرکز بر ابزار، به اهداف پیشرفت و توسعه توجه می‌شود. در واقع هدف واقعی توسعه باید خلق محیطی برای افراد باشد که در آن بتوانند از زندگی طولانی، سالم و خلاق لذت ببرند. در واقع زندگی طولانی و سالم، دانش و استانداردهای زندگی آبرومندانه از مهم‌ترین ابعاد توسعه انسانی است. البته در کنار مؤلفه‌های مذکور، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی را هم می‌توانیم به این ابعاد اضافه بکنیم.

۳- لزوم توسعه توانمندسازی و مشارکت فعال زنان

نکته‌ای که در خصوص مفهوم توسعه انسانی وجود دارد آن است که این مفهوم، هدف واقعی توسعه را ایجاد شرایطی برای افراد می‌داند تا در آن بتوانند زندگی سالم، طولانی و خلاق داشته باشند. در این رویکرد، توجه به حقوق زنان و محقق ساختن آن منجر به کاهش فقر، بالا رفتن استانداردهای زندگی، رشد مناسب و ثبات اقتصادی می‌گردد. از این رو در دستیابی به توسعه توانمندسازی و مشارکت فعال زنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این توانمندسازی زنان از چه طریقی می‌تواند اتفاق بیفتد؟ اگر فرصت‌هایی که در زمینه‌ی آموزش و اشتغال بیشترین تاثیر را بر زندگی همه افراد دارد در اختیار زنان قرار بگیرد، این توانمندسازی محقق می‌گردد. به همین دلیل است که در برنامه‌های توسعه، توانمندسازی زنان در اولویت قرار می‌گیرد. بر مبنای این شاخص برای دستیابی به زندگی بهتر علاوه بر داشتن درآمد بالاتر، موضوعات دیگری نیز قابل

توجه است. نهایتاً من می‌خواهم به این نتیجه برسم که امروزه بخشی از شاخصه‌هایی که در خصوص توسعه و معیار توسعه‌یافتگی در بحث توسعه انسانی یک کشور مورد بررسی قرار می‌گیرد، به موضوع زنان و حقوق زنان ارتباط پیدا می‌کند. در واقع این شاخصه‌ها حقوقی است که در قانون اساسی ما به آن توجه شده است. ما نباید صرفاً به حقوق زنان که در قانون اساسی ذکر شده است نگاه حقوق بشری داشته باشیم، بلکه با رویکرد کلان به این حقوق نگاه بکنیم که نهایتاً رعایت این حقوق در یک برنامه‌ریزی توسعه‌ای و پیشرفت منجر به زندگی بهتر و رفاه بیشتر کل افراد جامعه می‌شود. با توجه به توضیحاتی که در خصوص جایگاه زنان در توسعه انسانی دادم، نهایتاً این امر باید باعث شود که مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف از شاخصه‌های مهم توسعه همه جانبه و مورد توجه سازمان ملل برای اندازه‌گیری درجه توسعه یافتگی کشورها باشد.

۴- جایگاه زنان در برنامه‌های توسعه‌ای پس از انقلاب

ما در کشورمان پس از انقلاب اسلامی شش برنامه‌ی توسعه‌ی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی داشتیم که الان برنامه ششم در حال اجرا است. اگر یک بررسی داشته باشیم، متوجه می‌شویم که در طول این سال‌ها، نگاه این برنامه‌ها به نقش و جایگاه زنان دارای فراز و فرود بوده است. در برنامه اول و دوم توسعه، به دلیل اینکه این برنامه‌ها در دوران جنگ و شرایط خاص سیاسی و اجتماعی تهیه شده، نگاه‌ها صرفاً با رشد اقتصادی و افزایش شاخص‌های کمی همراه بوده است. در این دو برنامه فقط بخش‌هایی از سیاست‌های کلان برنامه به امور زنان اختصاص پیدا کرده و صرفاً موضوع زنان به منزله زیرمجموعه‌ای از بحث کنترل مبادی و جمعیت مورد توجه قرار گرفته است.

در برنامه سوم و چهارم توسعه، توجه به جامعیت در توسعه و گرایش به توسعه‌ی همه‌جانبه بیشتر می‌شود. در برنامه سوم، توجه به امور زنان با رویکرد توانمندسازی بیشتر می‌شود و سیاست‌های مبتنی بر مباحث جنسیتی اعمال می‌شود و اختصاصاً تشکیلاتی هم برای ایفای نقش زنان و توسعه کشور ایجاد می‌شود. آمارها نشان می‌دهد در این برنامه شاخص‌های توسعه انسانی بر حسب جنسیت و توانمندسازی بر اساس آن، رشد قابل توجهی داشته است.

در برنامه چهارم، توجه ویژه‌ای به توسعه در خصوص مشارکت زنان و تقویت نقش آن‌ها در جامعه می‌شود. این برنامه در راستای پررنگ نمودن نقش زنان گام مهمتری را

برمی‌دارد و جایگاه تشکیلاتی مبحث امور مشارکت زنان را ارتقا می‌دهد. همچنین در این برنامه، به موضوع اشتغال و ایفای نقش اقتصادی زنان توجه ویژه‌ای می‌شود. در برنامه پنجم، توجه به بخش زنان پررنگ‌تر می‌شود و البته صرفاً به زنان خانه‌دار توجه می‌شود و به سایر طیف‌های زنان جامعه توجهی نمی‌شود؛ از این حیث این برنامه قابل نقد است. بررسی جایگاه زنان در پنج برنامه اول توسعه، نشان می‌دهد که در این برنامه‌ها، حرکت رو به رشد و ارتقای زنان از طریق توانمندسازی زنان به وسیله ایجاد فرصت‌های بهتر اشتغال، آموزش، بهداشت و مشارکت اجتماعی صورت می‌گیرد. علی‌رغم اینکه در طول این برنامه‌ها نگاه به زنان ارتقا پیدا کرده است، از برنامه‌ریزان انتظار می‌رفت در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه، توجه بیشتری به جایگاه زنان داشته باشند.

با توجه به اینکه دهه چهارم انقلاب اسلامی به عنوان دهه پیشرفت و عدالت نامگذاری شده، از برنامه ششم توسعه این انتظار توسعه می‌رفت که بیش از پیش در تدوین این برنامه به بحث عدالت جنسیتی و جایگاه زنان توجه داشته باشد و این مسائل را در اولویت قرار دهد. این برنامه از سال ۹۵ در حال اجرا است. نگاهی که ما می‌توانیم به برنامه ششم داشته باشیم این است که این برنامه به طور جدی به مقوله خانواده پرداخته است. در این برنامه این ملاحظه شده است که بحث مشارکت اقتصادی زنان و اشتغال آنها، صرفاً اشتغال آنان در بیرون از خانه نیست؛ اگرچه به دلیل آنکه برای فعالیت زنان در خانه ارزش اقتصادی لحاظ نمی‌گردد، این مساله به عنوان مشارکت در عرصه اقتصادی، مورد ملاحظه قرار نمی‌گیرد ولی به خودی خود دارای ارزش است. در این برنامه به بحث توسعه اجتماعی و شاخص‌های آن فراتر از شاخص‌هایی چون تولید ناخالص ملی و خانه‌داری و بچه‌داری توجه شده است. در این برنامه به موضوع تحکیم خانواده به طور جدی پرداخته شده است چون حجم عظیمی از امر تولید را شامل می‌شود. اختصاص مواد متعدد به موضوع کاهش آسیب‌های اجتماعی، فساد اخلاقی، مقابله با جنگ نرم در عرصه خانواده و تلاش در جهت کاهش طلاق، نشانگر این واقعیت است. به طور کلی در خصوص برنامه ششم می‌توانیم بیان بکنیم که این برنامه در میان برنامه‌های توسعه‌ای پس از انقلاب، در توجه به جایگاه زنان در امر توسعه شاخص است. اختصاص یک بخش از برنامه ششم به موضوع زنان و خانواده و توجه به شاخص‌های مختلفی چون آموزش، بهداشت، تامین اجتماعی، حمایت از گروه‌های

خاص و آسیب‌پذیر و بیان صریح توجه به نقش زنان و فرآیند توسعه پایدار بیانگر این ادعا است.

ما باید به این نکته توجه داشته باشیم که با توجه به اینکه مشارکت کامل به معنای داشتن حق و فرصت مشارکت و نفوذ زنان در تصمیم‌گیری‌های تعیین‌کننده زندگی و حیات آن‌ها است، نگاهی به برنامه ششم توسعه نشان می‌دهد که اگرچه تلاش‌های خوبی در خصوص ارتقای جایگاه زنان صورت گرفته اما همچنان تا مشارکت کامل زنان در برنامه‌های توسعه به ویژه توانمندسازی آنان و ایجاد فرصت برای آنها در ارکان و جایگاه‌های مدیریتی بسیار فاصله داریم.

خلاصه کلام اینکه بحث حقوق زن‌ها در قانون اساسی ما به خوبی مورد اشاره قرار گرفته است. همان‌گونه که در ابتدای بحث عرض کردم ورای نگاه حقوق بشری به جایگاه زنان در قانون اساسی، نگاه کلان به این مسئله می‌تواند در رسیدن به اهدافی که قانون اساسی برای یک جامعه‌ی مطلوب و ایده‌آل مشخص کرده است، کمک‌کننده و بسیار راهگشا باشد. بنده صرفاً به این عبارتی که در مقدمه قانون اساسی است اشاره می‌کنم: «هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (و‌إلی الله المصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید (تخلّقوا بأخلاق الله) و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی‌تواند باشد. با توجه به این جهت، قانون اساسی زمینه چنین مشارکتی را در تمام مراحل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد.»

قانون‌گذاری در حوزه‌ی زن و خانواده مبتنی بر ظرفیت‌های قانون اساسی

(دکتر خدیجه مظفری)^۱

۱- اهمیت موضوع زنان و خانواده در قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به موضوع زنان و خانواده توجه ویژه‌ای داشته است. نکته اول اینکه قانون اساسی ما، از معدود قوانین اساسی در دنیا است که به این شکل مفصل به حوزه زنان و خانواده پرداخته است. برای خود من خواندن مسائلی در مورد زنان که در قانون اساسی آمده همیشه جذاب است. شما اگر به بعضی از بندهای مقدمه قانون اساسی نگاه کنید واقعاً جالب است. در بخشی از مقدمه قانون اساسی که سیر تاریخی وقوع انقلاب اسلامی را اشاره می‌کند، به زیبایی به حضور زنان هم اشاره می‌کند. مثلاً این متن را از رو می‌خوانم: «مخصوصاً زنان به شکل بارزی در تمامی صحنه‌های این جهاد بزرگ حضور فعال و گسترده‌ای داشتند. صحنه‌هایی از آن نوع که مادری را با کودکی در آغوش شتابان به سوی میدان نبرد و لوله‌های مسلسل نشان می‌داد، بیانگر سهم عمده و تعیین‌کننده این قشر بزرگ جامعه در مبارزه بود»، این عبارات به نوعی تاکید و جدیت نویسندگان قانون اساسی را در درک نقش زنان در وقوع انقلاب اسلامی نشان می‌دهد. همچنین در بخشی از مقدمه می‌بینیم که به موضوع زن در قانون اساسی اشاره می‌کند. یکی از بندهایی که در مقدمه قانون اساسی به آن اشاره شده و قابل توجه است، این موضوع است: «در ایجاد بنیادهای اجتماعی اسلامی، نیروهای انسانی که تاکنون در خدمت استعمار همه‌جانبه خارجی بودند هویت اصلی و حقوق انسانی خود را باز می‌یابند و در این بازیابی طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود.» این عبارات نشان از دقت و توجه نویسندگان قانون اساسی به ظلم و ستمی است که در دوران طاغوت، نسبت به حقوق زنان روا شده است. به این موضوع دقت داشته باشیم که به رغم اینکه شاید برخی از آزادی‌های ظاهری را در دوران طاغوت شاهد بودیم، واقعاً نقش و کرامت زنان در آن دوره به شدت آسیب دیده بود. یعنی در آن دوران توجهی که به زنان می‌شد صرفاً به‌عنوان یک ابزار بود. در همین بند از مقدمه‌ی قانون اساسی هم به آن اشاره شده است که می‌گوید: «زن در چنین برداشتی از واحد خانواده،

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء(س).

از حالت «شیء بودن» و یا «ابزار کار بودن» در خدمت اشاعه مصرف‌زدگی و استثمار، خارج شده». نگاهی که در دوران قبل از انقلاب اسلامی نسبت به زنان وجود داشت، همین شیء بودن بانوان بود. اگر شما و نسل جوان ما برگ‌هایی از تاریخ آن دوران، مثل سینمای آن، عکس‌ها و موارد دیگری را که وجود دارد مورد بررسی قرار دهید، قطعاً متوجه این نگاه ابزاری به حوزه زنان خواهید شد. انقلاب اسلامی با یک نگاه متعالی در صدد این بوده است که رشد زنان در کانون خانواده و جامعه اتفاق بیفتد. البته به نظم اصول بعدی که به حوزه زنان پرداخته نیز اصول مترقی و متعالی است؛ چون کمتر در قوانین اساسی دنیا به این اندازه به موضوع خانواده و زنان پرداخته شده است.

در بند ۹ اصل سوم قانون اساسی تصریح شده است: «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی». در اصل دهم نیز به طور خاص به موضوع خانواده پرداخته شده و بیان شده است: «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد». اصل بیستم نیز به طور خاص می‌گوید همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند.^۱ و اصل بیست و یکم نیز به طور ویژه به حقوق زنان پرداخته است: «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد: ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او ۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی‌سرپرست ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده ۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست ۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی».

این‌ها برای نظام جمهوری اسلامی طلیعه‌ی خوبی است که در آغاز تأسیس، تا این اندازه به حقوق زنان توجه نموده است. لذا اگر ما بخواهیم به بنیان‌ها مراجعه کنیم، می‌بینیم به خوبی به حوزه زنان و خانواده توجه شده و از این حیث فکر می‌کنم قانون اساسی نگاه جامعی به موضوع داشته است.

۱. اصل ۲۰ قانون اساسی: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند».

۲- جایگاه زنان در قوانین عادی کشور

بعد از اینکه ما وارد دوره‌های بعدی انقلاب اسلامی می‌شویم و قانون‌گذاری‌های متعددی صورت می‌پذیرد، قطعاً وضعیت زنان نسبت به قبل از انقلاب اسلامی رشد چشمگیری داشته است. در این گزاره منظورم قانون‌گذاری به معنای اعم کلمه است؛ یعنی هم قوانینی که مجلس تصویب کرده، قوانین بالادستی مثل سیاست‌گذاری‌های کلان، قوانین برنامه، مقررات، آئین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و در نهایت مقررات عرفی و نانوشته. اما این‌ها تاکنون خیلی گفته شده است. من امروز فکر می‌کردم راجع به چه چیزی صحبت کنم؛ گفتم وظیفه و رسالت علمی ما این است که نقاط ضعف، اشکالات و ایراداتی که در مسیر قانون اساسی می‌بینیم، بیان کنیم. باید به طور خاص انحرافات را که در قانون‌گذاری پیدا کرده‌ایم مورد بررسی قرار دهیم. قاعداً اگر این موارد را مورد توجه قرار داده و روی این‌ها بحث علمی انجام دهیم، ممکن است بتوانیم تا حدی در بازگشت این مسائل به حوزه و مسیر اصلی‌اش، سهم باشیم. اگر بنشینیم و تعریف و تمجید بکنیم که بله، ما خوب بودیم قطعاً به آنچه که مطلوب ما است، نخواهیم رسید. بررسی این موضوعات ضروری است؛ چون نشان دهنده وضعیت فعلی ما است. اما چون بیش از این گفته شده، من ترجیح دادم بیشتر با نگاه انتقادی به اتفاقاتی که در حوزه زنان در انقلاب اسلامی اتفاق افتاده است نگاه کنم. این مسائل از جهات مختلف هم خیلی حائز اهمیت هستند؛ افکار عمومی نسبت به این مسائل خیلی حساسیت دارد و حتی کوچکترین مسائلی که شاید اهمیت حقوقی خیلی زیادی هم نداشته باشند از سوی مردم با جدیت دنبال می‌شوند. افکار عمومی دنبال می‌کند که چه اتفاق خاصی در حوزه زنان یا خانواده افتاده است. به همین دلیل اهمیت‌شان بیشتر است. به علاوه اینکه، کسانی که به هر حال به نوعی دشمنی و مخالفت با نظام جمهوری اسلامی دارند، همیشه سعی می‌کردند این موضوعات را به عنوان نقطه‌های ضربه‌پذیری تلقی کنند و از این نقطه‌ها وارد شوند. هزینه‌هایی که برای نظام از این طریق ایجاد شده است کم نبوده است! یعنی به نظر می‌رسد شاید برخورد ما در همه موارد با موضوعات حوزه زنان برخورد درستی نبوده و از این حیث واقعاً هزینه‌هایی به نظام جمهوری اسلامی ایران تحمیل شده که می‌توانسته این‌گونه نباشد. شاید اگر ما دیدگاه‌های مناسب‌تری را اتخاذ می‌کردیم و رفتارهای دقیق‌تری را با توجه به اصول قانون اساسی اتخاذ می‌کردیم، این هزینه‌ها تحمیل نشده بود. به زعم من، ما بعد از انقلاب اسلامی در قانون‌گذاری‌هایی که در

حوزه‌ی مسائل زنان بوده است با دو طیف از نظرات روبرو هستیم؛ از یک سو گروهی عقیده دارند که حوزه‌ی اصلی فعالیت زنان خانه است و برای مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی آن‌ها کمتر اهمیت قائل می‌شوند و گروه دیگری که معتقد هستند حضور حداقلی زنان در خانه کفایت می‌کند و اصل موضوع این است که خانم‌ها در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت و فعالیت داشته باشند. به نظر می‌رسد با توجه به شرع مقدس اسلام و همین طور مطالبی که در قانون اساسی آمده، نقش محوری زن نه تنها در خانه، بلکه در خانواده اهمیت پیدا می‌کند. برای همین نمی‌خواهیم محدودش کنیم به اینکه بگوییم این موضوع الزاماً به یک چارچوب خاصی مثل خانه محدود می‌شود، بلکه اهمیتی این است که خانواده درست شود و در خانواده نقش زن به عنوان یک نقش محوری شناخته شود و برای زنان شرایطی ایجاد بشود که بتوانند آن نقش را در آنجا به خوبی ایفا کنند. از سوی دیگر با توجه به هزینه‌هایی که جامعه برای پرورش نسل توانمند زن طی این سال‌ها انجام داده قطعاً نمی‌شود گفت مشارکت سیاسی، اجتماعی زنان موضوعی است که می‌شود به راحتی از کنارش گذشت، بلکه تا جایی که می‌شود باید بین این دو جمع کرد. یعنی ما باید حداقلی‌تر توانی که می‌شود در اختیار گرفت را به کار ببریم تا هم نقش زنان در ایجاد کانون وحدت در خانواده حفظ شود و هم زنان بتوانند از استعدادها و توانایی خودشان در جهت نیل به اهداف اجتماعی‌شان استفاده بکنند. چون باید این موضوع را در نظر داشته باشیم که فرض کنید من دوازده سال در دانشگاه تهران درس خواندم، این هزینه‌های زیادی برای جامعه داشته و برای اینکه من بتوانم این مراحل را طی بکنم، جامعه هزینه کرده است. شاید منصفانه نباشد که من صرفاً در خانه‌داری اشتغال داشته باشم. شاید این موضوع برای من اشکالی نداشته باشد ولی به این هم فکر کنیم که به هر حال جامعه این هزینه‌ها را برای شخص من انجام داده و نمی‌شود به آسانی از کنارش گذشت. حتی ممکن است ما قائل به این باشیم که در یک مقطع زمانی نقش زن و اهمیت حضورش در خانواده بیشتر باشد و بعد از آن مقطع بتواند رسالت اجتماعی خود را ایفا بکند. این دیگر بستگی به این دارد که نحوه مواجهه جامعه و مقرراتی که در این خصوص گذاشته می‌شود، چگونه باشد و امکاناتی فراهم شود تا شخص بتواند در جامعه هم حضور داشته باشد. به صورت کلی با توجه به این طیفی که گفتیم، به نظرم در طی سال‌های بعد از انقلاب چند رویکرد در حوزه مسائل زنان وجود داشته که این‌ها هر کدام آثار مثبت و منفی داشته است.

۱-۲- وجود قوانین حمایتی از زنان

یکی از آن دیدگاه‌ها، دیدگاه حمایت‌گراانه است. یعنی نگاه قانون‌گذار ما، چه در منصب قانون‌گذاری و چه در منصب اجرا این بوده که به دلیل آنکه حقوق زنان نادیده گرفته شده نیازمند این هستند که از آنها حمایت شود. ضمن اینکه برای رسیدن به این دو هدف، این حمایت ضروری است. ما قوانین متعددی داریم که تلاش‌شان در این جهت بوده است. به‌عنوان مثال قوانینی که اجازه می‌دهد خانم‌ها خدمت نیمه وقت یا دورکاری داشته باشند. قوانینی که اجازه می‌دهد در دوران زایمان مرخصی داشته باشند یا بعد از آن مرخصی شیردهی داشته باشند. قوانینی داریم که حضور زنان را در مشاغلی که شیفت شب دارد ممنوع می‌کند مگر اینکه ضروری باشد؛ مثل بعضی مشاغل خاص. این نوع از قوانین و همین‌طور قوانینی که تلاش می‌کند که حقوق زنان به نحو بهتری به منصفه ظهور برسد در جهت حمایت از حقوق زنان وضع گردیده‌اند. ما در حوزه دریافت نفقه مقرراتی وضع کرده‌ایم که به لحاظ کیفری ضمانت اجرا داشته باشد. حتی می‌توان نسبت به عدم دریافت نفقه در گذشته، شکایت کیفری کرد. قاضی می‌تواند در این زمینه رأی دهد و شخص مجازات شود. همه این‌ها در راستای حمایت از حقوق زنان است که او بتواند به نحو بهتری به این حقوق دست پیدا بکند و آسوده‌تر به مسائل خانواده‌اش برسد و در مسائل سیاسی، اجتماعی هم حضور داشته باشد. البته این‌ها مورد استقبال بانوان جامعه قرار گرفته و قانون‌گذاری‌های موثر و مفیدی بوده است. به نظر من وضع این قوانین اثرات خیلی خوبی گذاشته ولی باز هم این قوانین جامع نیست. به عنوان مثال ما وقتی می‌خواهیم در عرصه کاری یکسری حمایت‌ها را برای زنان قائل شویم، مسئولیتی را به عهده کارفرما می‌گذاریم که اثر غیرمستقیمی بر روی اشتغال بانوان دارد. به‌عنوان مثال ما در بخش خصوصی با استقبال بیشتر زنان مواجه هستیم که کارفرما در این بخش به همان دلایل، تمایلی برای بکارگیری زنان نخواهند داشت. شاید بخش عمده‌ای از نیروی کار ما در حوزه کار خصوصی است نه در حوزه دولتی؛ دولت می‌تواند از محل درآمدهایی که دارد این هزینه‌ها را تأمین کند. یک کارفرمای خصوصی حساب دقیق اقتصادی خودش را می‌کند و می‌بیند اگر یک خانم را استخدام کند که بخشی از دوره کاری‌اش صرف مرخصی‌ها و نظیر این‌ها شود و هزینه‌ها یا دردهایی برایش دارد، کمتر تمایل دارد زنان را در این عرصه‌های کاری به کار بگیرد. بنابراین اثر غیرمستقیم آن قانون به نفع بانوان نخواهد بود. من فکر می‌کنم باید برای اینکه بخشی

از این هزینه‌ها به صورت تشویقی یا به طرق دیگر در اختیار کارفرما قرار بگیرد، راهکارهایی اندیشیده شود که او از به‌کارگیری زنان در عرصه‌های مختلف اجتناب نکند.

۲-۲- ارزیابی قابلیت اجرا و سنجش قوانین در حوزه‌ی زن و خانواده

یک رویکرد دیگری که باز وجود داشته، بحث اختصاصی کردن امور بانوان بوده است. به‌عنوان مثال گفتیم برای اینکه خانم‌ها در یک حوزه‌ی امنی قرار بگیرند، بیایم مکان‌ها و امور مختلف، مشاغل و چیزهایی نظیر این‌ها را به آن‌ها اختصاص بدهیم. شاید این موضوع هم در بعضی از عرصه‌ها آثار مثبت خودش را نشان بدهد. مثلاً فرض کنید در همین بحث‌های دم دستی قابل مشاهده است؛ در مترو خانم‌ها یک جای جدایی دارند، در اتوبوس همین طور و مدارس دخترانه و پسرانه ما تفکیک شده است. الان به طور خاص ما در یک دانشگاهی هستیم که از این حیث دانشگاه تفکیک شده و دختران فقط در این دانشگاه درس می‌خوانند. بخش زیادی از این موارد مورد حمایت بانوان جامعه قرار گرفته و با استقبال روبرو شده است. چون فضای امنی را برای آن‌ها ایجاد می‌کند. من فکر می‌کنم هیچ کسی یا کمتر کسی در این سرزمین به مدارس دخترانه و پسرانه‌ی ما که تفکیک شده یا به اینکه بانوان در اتوبوس و مترو جای اختصاصی دارند، اعتراض داشته باشد. به خاطر اینکه آن امنیتی که دنبالش هستند، آنجا بهتر باز می‌یابند. به ویژه هر جا که این جنبه اجباری‌اش کنار گذاشته شده و علی‌رغم اختصاص، یک حالت اختیاری داده شده، با استقبال بیشتری هم از سوی بانوان روبرو شده است. همین قطارهای مترو امکان اینکه بانوان در واگن‌های دیگر هم حضور داشته باشند وجود دارد ولی غالب خانم‌ها خودشان انتخاب می‌کنند که بروند و در بخش اختصاصی باشند. اما هر وقت جنبه اجباری‌تری پیدا کرده، انگار که مقاومتی هم در برابرش شکل گرفته و بعضاً شنیده می‌شود که مخالفت‌هایی وجود دارد. به نظرم خیلی از این جداسازی‌ها می‌تواند مؤثر باشد ولی در بخشی از این حوزه‌ها رو به افراط رفتیم. حالا شاید این نظر شخصی بنده باشد. من معتقدم حفظ کیان خانواده با ایجاد پارک‌های بانوان هیچ تناسبی ندارد. به خاطر اینکه بانوانی که ساعتی از وقت‌شان را به پارک اختصاص می‌دهند و در آنجا تفریح می‌کنند، تفریح خانواده محقق نشده است؛ تفریح خانواده، با خانواده معنا پیدا می‌کند. شما این همه هزینه هم به لحاظ فنی و اجرایی انجام داده‌ای ولی خیلی موفق نبوده است. حداقل این چند پارکی که من دیده‌ام هیچ فرق خاصی نمی‌کند؛ صرفاً خانواده را از هم جدا می‌کنیم. ببینیم اگر یک نفر می‌خواهد ورزش کند وظیفه ما این

است که فضای ورزشی اختصاصی برای بانوان ایجاد بکنیم که این کار را خیلی کم کرده‌ایم و بیش از این می‌طلبید که انجام شود. چون واقعاً برای سلامت بانوان لازم است این فضاها اختصاص پیدا بکند. ولی وقتی شما می‌آیدید یک فضایی مثل پارک را که به‌عنوان ساعت تفریح است تفکیک می‌کنید، عملاً در کنار هم بودن خانواده را از هم جدا می‌کنید. به‌نظرم در نهایت کمک زیادی نمی‌کنید و اگر این هزینه صرف اموری شود که برای بانوان مکان‌های ورزشی درست و درمانی ساخته شود شاید خیلی مناسب‌تر باشد. مکان‌های اختصاصی دیگری هم که کم‌کم باب می‌شود، از این نوع هستند. به‌عنوان مثال مسیر خاص دوچرخه سواری یا مسیرهای خاص دیگر. این‌ها باعث جدایی خانواده‌ها از همدیگر می‌شود؛ چون خانواده متشکل از زن و مرد است. ما باید بپذیریم که خیلی جاها حضور خانواده‌ها کنار هم مورد پذیرش است. به‌عنوان مثال شما همین رویکرد آستان قدس رضوی را نگاه کنید؛ تا سال‌ها هیچ مکانی برای خانواده‌ها در نظر گرفته نمی‌شد ولی به تدریج به این نتیجه رسیدند که وقتی خانواده با هم به زیارت می‌روند، نیاز دارند در کنار هم باشند و الان این مکان‌ها گسترش یافته است. این منطقی‌تر از این است که ما خیلی جاها دنبال اختصاصی کردن فضا برای بانوان هستیم. روی این حساب من فکر می‌کنم اینجا هم نگاه‌مان دقیق نبوده است. یعنی ما باید ببینیم قانون اساسی به دنبال چه اهدافی است و بعد بر مبنای آن تصمیم بگیریم. در حالی که به نظر می‌رسد اتفاقاً ما در جاهایی که باید این موارد اختصاصی را رعایت کنیم، به اندازه کافی برنامه‌ریزی نکرده‌ایم. من فکر نمی‌کنم دسترسی ما به پزشک زن در جامعه به میزان کافی باشد. یعنی شما در هر زمان از شبانه روز اراده کنید نمی‌توانید یک پزشک زن پیدا بکنید. اگر به اطراف خود مراجعه کنید یا یک مورد اورژانسی برای شما پیدا شود، نمی‌توانید یک پزشک زن در دسترس داشته باشید. در حوزه ورزش هم وضع به همین شکل است و ورزشکاران خانم ما راحت نمی‌توانند ورزش بکنند. یعنی اتفاقاً جاهایی که لازم است ما موارد اختصاصی زنان داشته باشیم، به اندازه کافی نداریم ولی در موارد غیر ضروری هزینه‌هایی انجام شده است. حالا چرا این اتفاق افتاده است؟ من نمی‌توانم ریشه‌هایش را پیدا بکنم ولی فکر می‌کنم اگر ما به آن مبنای قانون اساسی یعنی حفظ کیان خانواده و حفظ شأن و کرامت‌های والای انسانی در زنان توجه بکنیم، احتمالاً بعضی از این‌ها برطرف می‌شود. مثلاً ما برای هیجانانگیز و فضاهایی که دختران نوجوانان نیاز دارند، به اندازه کافی برای آنها فکر نکردیم؛ روی این حساب با یکسری مشکلات

و تقاضاهایی روبرو می‌شویم که نمی‌دانیم برای آنها چه باید بکنیم. مثلاً فرض کنید من خاطرم است که ما در خوابگاه شانزده آذر دانشگاه تهران که بودیم، مادر یکی از دوستان که آمده بود، می‌گفت من سال ۵۲ اینجا دانشجوی بودم و در همین خوابگاه بودم. نکته جالبی که به من می‌گفت، این بود که در زمان دانشجویی ایشان، افراد تاسیساتی خانم بوده‌اند. در حالی که هر دفعه کسانی که برای کارهای تاسیساتی وارد خوابگاه می‌شدند، «یا الله» می‌دادند. من واقعاً تعجب کردم؛ به دلیل اینکه این همه ما خانم پرورش می‌دهیم ولی نمی‌توانیم به اندازه کافی خانم فنی داشته باشیم. در همه خوابگاه‌ها این مشکل همچنان وجود دارد که هر بار این آقایانی که می‌آیند شیر آب سفت کنند، نظافت کنند، دائم باید «یا الله» بگویند. یعنی نمی‌توانند خانم باشند؟ این قدر حل این مشکل سخت است؟ نگاه ما شاید این نبوده که بالاخره برای این فضای بانوان هم باید کاری انجام دهیم. قاعدتاً در این حوزه هم باید فکر بکنیم ولی این‌ها را کنار گذاشتیم و بعد به این مسائل حساسیت برانگیز و هزینه‌بر بیشتر پرداختیم. در حالی که این‌ها اگر انجام می‌شد خیلی از آن ناراحتی‌ها و اذیت‌هایی که باعث شده در جای دیگر صدای اعتراضی شنیده شود از بین می‌رفت. به نظرم باید حساس باشیم و دقت کنیم که این تفکیک معلوم شود. مثلاً دانش آموز دختر ما این تفکیک را نمی‌فهمد. به خاطر اینکه هم برایش خوب توضیح داده نشده و هم در عمل درست اجرا نمی‌شود. یعنی آن تفاوت را قائل نمی‌شود. کما اینکه دختر کلاس ششم از مدرسه خارج می‌شود، مقنعه‌اش را در می‌آورد. اصلاً شما می‌فهمید که این دانش‌آموز متوجه هدف حجاب نشده است. چون در مدرسه که یک مکان زنانه است سرش می‌کند ولی بعد که بیرون می‌آید آقایان حضور دارند، برمی‌دارد. این نشان می‌دهد که ما در این موارد و درکی که باید ایجاد شود و همین طور در عمل با مشکل مواجه بوده‌ایم. اگر یک سرایدار آقا در هر مدرسه است که کل این پوشش را دچار مشکل می‌کند، خب این را می‌شود حل کرد. نباید خیلی مسئله بزرگ و غیر قابل حلی باشد. فکر می‌کنم با همین چیزهای کوچک و توجه به این نکات می‌شود خیلی از مسائل را درست کرد. در قانون اساسی در حوزه مشارکت‌های سیاسی و اجتماعی حق انتخاب شدن و انتخاب کردن برای زنان وجود دارد. در قوانین عادی نیز وجود دارد. البته بحث رئیس جمهور حل نشد و خیلی از این‌ها بحث شعاری به خودش می‌گیرد و صرفاً نمادین است و آن اهمیت ویژه را ندارد. یعنی اگر ما وزیر زن داشته باشیم، معاون رئیس جمهور زن داشته باشیم، شاید به لحاظ دیدگاه کلی به جامعه

این نوید را بدهد که زنان می‌توانند در این عرصه‌ها حضور داشته باشند ولی باز می‌بینیم در قاعده، وضعیت خیلی فرق نکرده است. یعنی بخشی از این مسائل، معلول آن دیدگاه‌های سنتی، فرهنگی و اجتماعی ما است که شاید خیلی هم الزاماً ریشه‌های مذهبی نداشته باشد. مثلاً مدیر ما وقتی می‌خواهد مدیران زیردستش را انتخاب کند، کمتر تمایل دارد با خانم‌ها کار کند. شاید به این خاطر است که به اندازه کافی مهارت‌های لازم در ارتباط با مدیران خانم را نیاموخته و دچار مشکل می‌شود، بنابراین ترجیحش این است که کمتر آن‌ها را انتخاب بکند. الان چه در حوزه اعضای هیئت علمی، چه مدیران میانی که در دستگاه‌های اجرایی ما وجود دارند، در همه این‌ها کمتر حضور خانم‌ها را داریم. به نظرم هر چقدر هم میان مدیران عالی‌رتبه، خانم‌ها را تعیین کنیم، وضعیت خیلی فرقی نکرده است. البته قطعاً نسبت به گذشته خیلی وضعیت بهتر است ولی تصور می‌کنم بهتر از این هم می‌تواند باشد. به نظرم بخش زیادی از این مسائل به اصلاح این باورهایی است که وجود دارد و من مستقیماً با بعضی از آن‌ها روبرو بوده‌ام. این کلیشه‌هایی که برای ارتباط با زنان وجود دارد، باید در ذهن‌های ما تغییر بکند. حتی برای خود خانم‌ها؛ یعنی خود ما هم خیلی وقت‌ها تصورمان بر یک نظام شایسته‌سالار نیست و دائم به بحث‌های زن و مرد بودن توجه می‌کنیم. به نظرم این رویه در نهایت، ذهنیت ما را منفی می‌کند.

به نظر گاهی اوقات ما گام‌هایی را برخلاف قانون اساسی برداشته‌ایم که من هر چقدر بالا و پایین می‌کنم متوجه نمی‌شوم چرا این اتفاق‌ها افتاده است؟ مثال دیگر در حوزه خانواده است؛ با وجود اینکه ما این همه روی تحکیم بنیاد خانواده تأکید می‌کنیم و به دنبال راهی برای ایجاد سهولت در مشارکت سیاسی اجتماعی زنان هستیم، باز می‌بینیم تصمیمات اشتباه و نقص‌هایی وجود دارد. مثلاً وقتی ما اصل ۴۴ قانون اساسی را اجرا می‌کنیم، در کنارش مهدکودک‌های دولتی کلاً جمع می‌شود. یعنی آن آسودگی خاطری که این مهدکودک‌ها به یک مادر می‌داد که بچه‌اش در طبقه پایین همین وزارتخانه نگهداری می‌شود و می‌تواند ساعت شیردهی‌اش را به چهار نیم ساعت تقسیم کند، کلاً برداشته می‌شود و یک سرگردانی و گرفتاری برای این حوزه ایجاد می‌شود. به نظرم این مورد نیز از تصمیماتی است که فقط به صورت مقطعی باید اجرا می‌شد. باید می‌گفتند نباید از یکسری امکانات دولتی بهره گرفت و باید خصوصی‌سازی شود. اما به دلیل

اینکه این قانون خوب اجرا نشد، این‌ها همه از بین رفت و شما حمایتی که برای خانواده داشتی از دست دادی.

به عنوان جمع‌بندی می‌توانم بگویم به رغم اینکه ما یک قانون اساسی خیلی خوب داریم و فعالان حوزه‌ی زنان می‌توانستند در این حوزه به خوبی فعالیت و تصمیم‌گیری کنند، در حیطه‌ی قانون‌گذاری آن نگاه جامع را به حوزه زنان نداشتیم. یعنی هر بار آمدیم و یکی از اجزا را تغییر دادیم. دین مقدس اسلام این مجموعه را به خوبی تعریف کرده است؛ یعنی هر چیزی سر جای خودش است. اگر برای زن حق یا مسئولیتی تعریف کرده، در برابرش برای مردان هم تعریف کرده است. همه این‌ها در کنار هم معنی پیدا می‌کند. وقتی ما یکی از این اجزا را تکان می‌دهیم باید جزء دیگر نیز به نسبت آن تغییر پیدا کند. وقتی این کار را نمی‌کنیم، این مجموعه به هم می‌ریزد و بعد ما دائم می‌بینیم به جای اینکه صدای موسیقی دلنشینی به گوش برسد یک صدای دلخراشی می‌آید. ما الان در حوزه مهریه این همه ضمانت اجراهای مختلف قرار می‌دهیم ولی چون اجزای دیگر ناکارآمد است، نهایتش یا با زانی مواجه هستیم که به حقشان دست پیدا نمی‌کنند یا با مردانی مواجه هستیم که مهریه و نفقه می‌دهند و همسرشان در خانه پدر است. این حاصل عدم نگاه جامع ما به حوزه‌ی زنان است. البته لازم است در تمام بخش‌ها اصلاحات صورت بگیرد. مشکلات حوزه قانون‌گذاری و قضایی ما باید حل شود. در حوزه قضایی اگر تخلفی نسبت به قانون وجود دارد یا سوءاستفاده‌ای از قوانین می‌شود قضات باید با درایت ورود پیدا کنند. البته به نظرم این هم خودش وابسته به یک سیستم تشخیصی درست در تامین اجتماعی است که بتواند وضعیت افراد را به درستی تشخیص بدهد تا از حمایت‌های قانونی درست برخوردار شوند. وقتی این را نداریم، قاعدتاً در بقیه بخش‌ها هم دچار مشکل می‌شویم. در نهایت فکر می‌کنم علی‌رغم همه حقوقی که بانوان ما بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی به دست آوردند، لازم است که یک دیدگاه جامع‌نگر حاکم شود و مجموعه‌ی حقوق زنان را با همدیگر ببیند تا بخشی از این مشکلات برطرف شود.

ضرورت جهت‌گیری قوای سه‌گانه در تحقق اصل ۱۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

(دکتر علی بهادری جهرمی)^۱

من مقدمتاً عرض بکنم که به زعم من نقش خانواده در جامعه مثل یک سلول در بدن انسان است. من این‌گونه تشبیه می‌کنم؛ یعنی یک جامعه متشکل از سلول‌های کوچکتری به نام خانواده است. از این حیث موضوع زنان و خانواده خیلی مهم می‌شود و اهمیت پیدا می‌کند. در واقع خانواده یک نمای کوچک شده‌ی جامعه است. مهمترین، محوری‌ترین و شاید بتوانیم بگوییم تنها جزء طبیعی و حقیقی تشکیل دهنده جامعه است؛ منظوم جزء اجتماع است. بنابراین نقش و جایگاه این سلول خیلی مهم می‌شود. وقتی این سلول ما معیوب باشد قطعاً در کل جامعه تاثیر می‌گذارد. اگر این سلول بیمار باشد قطعاً در کل جامعه تاثیر می‌گذارد. هر گونه که این سلول طراحی شود، جامعه هم مشابه همان سلول طراحی می‌شود و رشد و نمو پیدا می‌کند. جهت حرکت جامعه و رشد و نمو آن همان جهت حرکتی است که این سلول‌های کوچکتر تشکیل دهنده آن دارند به آن سمت می‌روند. به دلیل همین جایگاه بنیادین و اساسی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اساساً منظومه‌ی حقوق اساسی ایران توجه ویژه‌ای به این بنیان مهم اجتماعی داشته است. خانم دکتر مرندی به مقدمه قانون اساسی اشاره فرمودند و خانم دکتر مظفری، اصل ده و پس از آن اصل بیست و یک قانون اساسی و در نهایت بدهایی از اصل سوم قانون اساسی را مورد اشاره قرار دارند که من دوباره‌گویی نمی‌کنم، ولی لازم به ذکر است که اسناد بالادستی ما محدود به این‌ها نیست.

۱- مروری بر جایگاه خانواده در اسناد بالادستی و قوانین عادی

اهمیت جایگاه خانواده باعث شده که ما در منظومه حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، مواد و مضامین متعددی در اسناد بالادستی داشته باشیم که ذیل آنها به مفهوم خانواده، جایگاه خانواده، جوانب حقوقی خانواده و لوازم صیانت از آن و تقویت آن پرداخته شده است. من فقط برخی از آنها را نام می‌برم و به یکی از موارد بیشتر اشاره می‌کنم:

۱. عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس و رئیس مرکز مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه.

۱-۱. اهمیت خانواده در سیاست‌های کلی خانواده

یکی از این اسناد بالادستی، سیاست‌های کلی خانواده ابلاغی مقام معظم رهبری است. فکر می‌کنم ما چهل عنوان سیاست کلی ابلاغی مقام معظم رهبری بیشتر نداریم. یعنی در تمامی موضوعات موجود در کشور، چهل عنوان اهمیت اساسی داشته است؛ موضوعاتی همچون اشتغال، نظام اداری و یا موضوعات امنیتی که ما برای آنها سیاست‌های کلی نظام تدوین و تحریر کردیم. یعنی ریش‌سفیدان نظام دور هم جمع شدند و پس از آنکه با تأمل، تعقل و مشورت موضوعات بنیادین را احصاء کردند، گفتند ما وقتی می‌خواهیم برای کلیت نظام برنامه داشته باشیم، در چه حوزه‌هایی برنامه داشته باشیم؟ تا الان یک چیزی در حدود چهل عنوان احصاء کرده‌اند. یکی از این چهل عنوان که جزء عنوان‌های اولیه بوده، همین عنوان خانواده بوده است. علاوه بر آن، عنوان سیاست‌های کلی خانواده به طور خاص به مفهوم خانواده پرداخته است. ما برای موضوعاتی مثل جمعیت هم سیاست‌های کلی داریم که از موضوعات مرتبط با نهاد خانواده است یا در ضمن مفاد آن به موضوعات مرتبط با خانواده پرداخته شده است.

۱-۲. اهمیت خانواده در مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

در سایر اسناد بالادستی همچون مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز به تواتر موضوعاتی مرتبط با خانواده به چشم می‌خورد. مثلاً اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم آن و یا منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران که مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی هستند.

۱-۳. اهمیت خانواده در قوانین عادی

در قوانین هم می‌توان به این موارد اشاره کرد: قانون حمایت از خانواده، قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بد سرپرست، قانون کاهش کار بانوان شاغل، تنظیم خانواده و قس علی‌هذا.

۲- سازگار نیل به اهداف مقرر شده در خصوص جایگاه زن و خانواده در قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران

ما برای اینکه بتوانیم به جایگاهی که قانون اساسی برای زن و خانواده ترسیم کرده است نائل بشویم نیاز به سازکارهای مشخص داریم. بند در این رابطه نکاتی را عرض می‌کنم.

۲-۱. ضرورت داشتن نقشه راه و الگوی مطلوب خانواده

ما قواعد متعددی داریم که سعی کرده به موضوع مهم نظام خانواده یا آن سلول کوچک جامعه بپردازد و آن را مورد توجه قرار دهد. این تکثر یا تعدد قوانین نشان دهنده اهمیت زیاد موضوع خانواده است. وقتی ما متوجه اهمیت این موضوع می‌شویم و درمی‌یابیم که نوع نگاه ما به این موضوع، نوع نگاه ما به کل جامعه را نشان خواهد داد و نیز نوع واکنش ما به عملکرد این سلول کوچک، نوع واکنش ما به عملکرد کلیت جامعه را به ما نمایش خواهد گذاشت، آنگاه خیلی مهم است که در خصوص این موضوع، یک نقشه روشن و یک الگوی مطلوب را طراحی کرده باشیم. سؤال این است که از منظر ما یک الگوی مطلوب، آرمانی و روشن برای خانواده، چه الگویی است؟ ما باید در طلیعه گام دوم انقلاب اسلامی، با نگاهی به چهل سال گذشته بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بررسی کنیم و ببینیم بعد از این تغییر بنیادین یا انقلابی که در ساختارهای نظام‌های حقوقی، سیاسی و اجتماعی ما شکل گرفت و ادعا شد یا بنا شد که مسیر دیگری پیموده خواهد شد، چه مسیری برای خانواده طراحی و ترسیم شده است؟ آیا ما الان یک الگوی مطلوب و یک نقشه راه روشن برای خانواده‌ها ترسیم کرده‌ایم؟ من صرفاً نقشه راه را می‌گویم، نه اینکه راه را طی کرده باشیم. می‌گویم طی کردن طلب‌مان باشد. آیا نقاشی یک نظام خانواده مطلوب را کشیده‌ایم که بتوانیم بگذاریم جلوی دیوار و بگوییم ما این را می‌خواهیم؟ آیا وقتی ما به اسناد بالادستی مان نگاه می‌کنیم، زوایای کامل یک نظام خانوادگی صحیح و مطلوب در آنها روشن شده است؟ ما می‌دانیم زن دقیقاً چه جایگاهی در نظام اجتماعی و خانواده دارد؟ دختر چه نقشی دارد؟ پسر چه نقشی دارد؟ پدر چه نقشی دارد؟ در نظام مطلوب ما تعاملات این‌ها با یکدیگر چگونه طراحی شده است؟ آیا پاسخ این سؤالات برای ما روشن است؟ به زعم من، ما علی‌رغم قوت و قدرت جدی تراث فقهی، بنیادهای عمیق اسلامی و بنیادهای عمیق ایرانی که در این زمینه داشتیم، نتوانستیم یک الگوی مطلوب را طراحی کنیم. به زعم من اساساً شرقی‌ها در این مفاهیم بنیادین و مقدس مثل مفهوم خانواده پیشگام بودند. به نظر من، در این زمینه ما خوب عمل نکردیم. یعنی آن گونه که کشورهایی با تفکرانی متفاوت از الگوهای مطلوب ما در حوزه‌های مختلف اعم از حکمرانی، اقتصاد، سیاست و حتی خانواده و زن، الگوهای مطلوب خود را طراحی کرده‌اند، ما هنوز نتوانسته‌ایم الگوی مطلوبی طراحی

کنیم. ما هنوز در پاسخ به همین سؤال که جایگاه زن در خانواده دقیقاً چیست؟ یک پاسخ مشترک و روشنی نداریم.

خانم دکتر مظفری چند مثال زدند؛ مثلاً پارک بانوان به نظر من بد است. یک نفر دیگر می‌گوید پارک بانوان خوب است. چرا این اختلاف پیش می‌آید؟ برای اینکه ما نمی‌دانیم مسیر مطلوب را چگونه طراحی کرده‌ایم که بدانیم چطور مسیر را طی کنیم تا به آن برسیم. ما تا حدودی در اول بسم الله و در چهل سال اول انقلاب گیر کرده‌ایم. هر چند من لیست کرده‌ام؛ ما اصول مترقی در قانون اساسی مان داریم. مقدمه قانون اساسی به زیبایی و ظرافت به این مفهوم پرداخته است. سیاست‌های کلی را داریم. منشورهای مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی را داریم. من این‌ها را زیر سؤال نمی‌برم. قدردان زحمات پیشینیان هم هستیم ولی این‌ها یک نقشه روشنی به دست نمی‌دهد. بعضی جاهایش با هم همخوانی ندارد. بعضی جاها زوایا روشن نمی‌شود. وقتی می‌خواهیم بدانیم که الگوی مطلوب خانواده دقیقاً چگونه است، مثل یک نقاشی کدر جلوه می‌کند.

۲-۲. لزوم وضع قوانین و مقررات در راستای نقشه راه و الگوی مطلوب خانواده

پس از مورد توجه قرار دادن اهمیت وجود نقشه راه و الگوی مطلوب برای خانواده، در مسیر دوم باید بسنجیم به فرض اینکه یک نقشه مطلوب یا حتی یک نقشه نسبتاً روشن یا کدر یا یک نقاشی نیمه روشنی از خانواده و جایگاه زن در خانواده و اجتماع تبیین شده باشد، نظام حقوقی ما تا چه میزان خودش را با آن تطبیق می‌دهد و به سمت آن جلو می‌رود؟ من یک مثال بخوانم؛ در سال ۱۳۶۰ شورای نگهبان قانون اساسی یک نظر دارد^۱ که اصطلاحاً به آن نظر رویه‌ای می‌گوییم؛ یعنی وقتی که مصوبات مجلس را تطبیق

۱. «گزارش کمیسیون بهداری مجلس شورای اسلامی در پاسخ نامه شماره ۵۶۳۲ مورخ ۱۳۶۰/۹/۸ آقای وزیر بهداری راجع به تفسیر موادی از قانون خدمت نیروی انسانی، درمانی و بهداشتی مصوب ۱۳۵۸/۹/۲۴ شورای انقلاب و قانون اصلاح خدمت خارج از مرکز پزشکان و دندانپزشکان و داروسازان مصوب ۱۳۶۰/۳/۴ مجلس شورای اسلامی در جلسه روز چهارشنبه ۱۳۶۰/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گرفت و قسمتی از آن به تصویب رسید که در اجرای اصل نود و چهارم قانون اساسی جهت بررسی و اظهارنظر آن شورای محترم به پیوست ارسال می‌گردد.

اکبر هاشمی

رئیس مجلس شورای اسلامی

متن تفسیر

الف - در موضوع قانون خدمت نیروی انسانی، درمانی و بهداشتی مصوب ۱۳۵۸/۹/۲۴

۱- مشمولان انات که در زمان تصویب قانون شوهر نداشته‌اند و بعد شوهر اختیار نموده‌اند آیا شمول معافیت موضوع تبصره ۲ ماده ۱ قانون هستند یا خیر؟ و بایستی مدت موضوع قانون را خدمت نمایند. نظر کمیسیون: «مشمولان انات که بعداً شوهر اختیار می‌نمایند، از زمان داشتن شوهر مشمول معافیت موضوع تبصره ۲ ماده ۱ قانون هستند».

۲- با وجود ماده ۸ قانون وظیفه عمومی کسانی که دوره آموزشگاه‌ها یا دانشکده‌های افسری را طی کرده‌اند و ۲ سال هم در شهرهای مجاز خدمت نموده‌اند و این مدت جزء خدمت زیر پرچم آنان تلقی شده است، آیا باید یک سال باقیمانده را در شهرهای مجاز خدمت کنند یا ۳ سال را؟ نظر کمیسیون: «کسانی که دوره آموزشگاه‌ها یا دانشکده‌های افسری را طی کرده‌اند و این مدت جزء خدمت زیر پرچم آن‌ها محسوب شده است باید یک سال باقیمانده را در شهرهای مجاز خدمت کنند، به استثنای کادر ثابت ارتش».

۳- با توجه به اینکه خدمات پزشکی در شهرستان‌ها مجاز به مدت ۳ سال قبل از ۱۳۵۸/۹/۲۴ مشمول معافیت از خدمت ۳ ساله طبق تبصره ماده ۸ قانون اصلاح خدمت خارج از مرکز پزشکان و دندانپزشکان و داروسازان خواهد بود آیا خدمت زیر پرچم انجام شده در شهرهای واجد دانشگاه نیز مشمول مدت مذکور خواهد بود؟ و همچنین مدت خدمت در پادگان‌های ارتشی در شهرهای دانشگاهی که خدمت پزشکی هم بعضاً همراه داشته است، جزء این خدمات پزشکی تلقی می‌شود یا خیر؟ و اصولاً آیا تمامی مدت خدمت در این مورد مشمول تبصره ماده ۸ قانون اخیرالذکر خواهد بود یا فقط مدتی که خدمت پزشکی در شهرهای مجاز غیردانشگاهی انجام شده است؟

نظر کمیسیون: «با توجه به ماده ۲ قانون مصوبه شورای انقلاب مدت ۲ سال خدمت زیر پرچم از جمع ۳ سال خدمت مذکور کسر می‌شود».

۴- در مورد افسران و پرسنل کادر نیروهای مسلح که مشمول قانون انجام خدمت ۳ ساله نیز می‌باشند و بعضاً به علت نیاز نیروهای مزبور در شهرهای واجد دانشگاه شاغل می‌گردند، چه راهنمایی در این مورد وجود دارد، آیا نیروها موظف به اجرای این قانونند و یا می‌توان شهرهای مذکور را مشمول نیازهای دستگاه‌های دولتی دانست و اجازه خدمت در مراکز مورد نیاز نیروها را ولو در شهرهای دانشگاهی داد؟ نظر کمیسیون: «افسران و پرسنل کادر نیروهای مسلح با توجه به نیاز ارتش در مناطق نیازمند انجام وظیفه می‌نمایند».

۵- آیا کسانی که تا قبل از تاریخ ۱۳۵۸/۹/۲۴ خدمات پزشکی خود را به مدت کمتر از ۳ سال انجام داده‌اند، طبق تبصره ماده ۸ قانون اصلاح خدمت خارج از مرکز پزشکان و دندانپزشکان و داروسازان باید کسری مدت تا ۳ سال را انجام دهند یا مجدداً می‌بایستی کل ۳ سال خدمت را انجام دهند؟

نظر کمیسیون: «با توجه به ماده ۲ لایحه قانون خدمت نیروی انسانی درمانی و بهداشتی، می‌بایستی که سه سال خدمت را با کسر مدت خدمت زیر پرچم انجام دهند».

۶- آیا خدمت در بیمارستان و درمانگاه‌های خارج از کشور هلال‌احمر را می‌توان جزء خدمت در نقاط محروم و نیازمند تلقی نمود یا خیر؟

نظر کمیسیون: «طبق تشخیص وزیر بهداشتی پذیرفته خواهد شد».

می‌دهد با قانون اساسی یک اظهارنظری می‌کند. من برای شما مثال می‌خوانم. موضوع را توضیح می‌دهم و ساده می‌کنم. موضوع اجمالاً این است که پزشکان و دندان‌پزشکان باید یک دوره‌ای را به عنوان خدمت در مناطق خاصی بگذرانند و به مناطق محروم بروند. شورای نگهبان در اظهار نظرش گفته است، اطلاق این مصوبه به لحاظ اینکه شامل زنان شوهرداری هم می‌شود که شوهران‌شان خارج از آن مناطق زندگی می‌کنند و با سفر همسرشان هم به خارج از محل سکونت رضایت ندارند، مغایر اصل ده قانون اساسی است. ببینید مصوبه کلی بوده است؛ گفته است پزشکان، دندان‌پزشکان و پیراپزشکان باید بروند آنجا دوره بگذرانند.

شورای نگهبان می‌گوید ما اصل ده را برای طاقچه نگذاشتیم. برای ژست گرفتن در قانون اساسی نگذاشتیم. چند نظر مشابه همین نظر، در همان دهه وجود دارد. من یکی را به عنوان مثال خواندم. نظر شورا هم است و نه نظر فقهی شورای نگهبان. شورای نگهبان می‌گوید اصل ده قانون اساسی می‌گوید باید از تحکیم و بنیان خانواده حمایت کنیم، بنابراین من نسبت به این مصوبه ایراد می‌گیرم. چون وقتی شما آمدی می‌گویی هر پزشکی برود، شامل زنان هم می‌شود. شامل زنان دارای همسر هم می‌شود. یک پزشک زن که دارای همسر است باید برای مأموریت یا برای سپری کردن دوره خدمتی خودش به آن مناطق برود و این موضوع ممکن است بنیان زندگی خانوادگی‌شان را دچار آشفتگی

ب- در موضوع قانون اصلاح خدمت خارج از مرکز پزشکان و دندانپزشکان و داروسازان.
۷- آیا خدمت ۳ ساله موضوع تبصره ماده ۶ قانون مصوب ۱۳۶۰/۳/۴ در ارتباط با طبقه نسوان به طور عام بوده یا بانوان شوهردار از آن مستثنی هستند؟

نظر کمیسیون: «تبصره ماده ۶ قانون فوق در ارتباط با طبق نسوان به طور عام می‌باشد».
تفسیر قانونی فوق در جلسه روز چهارشنبه سی‌ام دی‌ماه یک‌هزار و سیصد و شصت به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است.»

نظر شماره ۴۲۳۴ مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۱۳ شورای نگهبان: «ریاست محترم مجلس شورای اسلامی عطف به نامه شماره ۱۹۲۶-ق مورخ ۱۳۶۰/۱۱/۷؛ «تفسیر قانونی مصوب ۱۳۶۰/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی راجع به قانون خدمت نیروی انسانی، درمانی و بهداشتی (۱۳۵۸/۹/۲۴) و قانون اصلاح خدمت خارج از مرکز پزشکان و دندانپزشکان و داروسازان (۱۳۶۰/۳/۴)» در جلسه شورای نگهبان مطرح و بررسی شد. در مورد بند «ب»، اطلاق تفسیر مربوط به تبصره ماده ۶ قانون مصوب ۱۳۶۰/۳/۴ به لحاظ اینکه شامل زنان شوهرداری می‌شود که شوهرشان در خارج از مناطق مجاز ساکن باشند و با سفر همسرش به خارج از محل سکونتش موافق نباشد، با اصل دهم قانون اساسی به اکثریت آرای اعضای شورا مغایر شناخته شد. سایر موارد با اکثریت آرا تأیید گردید. لطف‌الله صافی - دبیر شورای نگهبان»

و پریشان‌حالی بکند، بنابراین من این را اجازه نمی‌دهم. این یعنی محور قرار گرفتن خانواده در نظامات حقوقی. این یعنی موضوع بند دوم سیاست‌های کلی نظام خانواده^۱ که ابلاغ شده است و تقریباً ردپایی از آن در قوانین ما دیگر دیده نمی‌شود. در بند دوم سیاست‌های کلی نظام خانواده هم به این موضوع تصریح شده است. می‌گوید در تمامی مصوبات اعم از سیاست‌ها و قوانین، به طور عام هم ذکر کرده است. یک مرتبه مراجعه بکنید و سیاست‌ها را ببینید. می‌گوید در تمامی قوانین و مقررات، برنامه‌ها، سیاست‌های اجرایی و تمام نظامات آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و غیره، باید خانواده محور قرار بگیرد. من می‌گویم محور بودن خانواده، طلب مسئولین باشد؛ اصلاً یک نیم‌نگاهی هم به خانواده داشته باشند. اصلاً یادمان باشد مفهومی تحت عنوان خانواده داریم. آیا یادمان است؟ وقتی قوانین اداری، اقتصادی و سیاسی تدوین می‌کنیم، اصلاً حواسمان هست یک مفهومی هم به اسم خانواده وجود دارد؟ از نماینده‌ای که به او رأی دادیم، پرسیم یاد است یک مفهومی به اسم خانواده قرار بود محور باشد؟ وقتی کم توجهی یا بی‌توجهی به این سلول بنیادین باشد، این سلول بنیادین آسیب می‌بیند. آسیب به سلول، آسیب به کل جامعه است. این سلول بنیادین منحرف می‌شود. انحراف سلول، انحراف کل جامعه است. یک سلول معیوب، معنی‌اش عیب در کل جامعه خواهد بود. شاید امروز نفهمیم ولی در گذر زمان، وقتی این سلول تکثیر شد و به کل جامعه تسری پیدا کرد آن روز متوجه می‌شویم. در مرحله دوم عرض من این بود که بعد از اینکه فرض کنیم نقشه مطلوب را طراحی کردیم، باید ببینیم چقدر قوانین و مقررات ما در مسیر و امتداد آن نقشه مطلوب حرکت می‌کند.

۳- آسیب‌شناسی نظام خانواده مبتنی بر بنیان‌های نظام اسلامی

من واقعاً خجالت می‌کشم وقتی لایحه حمایت از اطفال و نوجوانان را می‌خوانم. در سال گذشته یک جلسه‌ای در دانشگاه شهید بهشتی خدمت آقای دکتر روشن بودیم. در متن لایحه پیشنهادی پیش از اصلاح، انگار خانواده وجود خارجی ندارد. اصلاً انگار بنا است سازمان بهزیستی برای ما بچه تربیت کند. در آن لایحه، مددکاران اجتماعی قرار

۱. بند (۲) سیاست‌های کلی خانواده ابلاغی ۱۳۹۵/۶/۱۳ مقام معظم رهبری: «محور قرار گرفتن خانواده در قوانین و مقررات، برنامه‌ها، سیاست‌های اجرایی و تمام نظامات آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی به‌ویژه نظام مسکن و شهرسازی.»

است نقش مادران و پدران را بازی کنند. ما به کجا داریم حرکت می‌کنیم؟ ما نقشه راه‌مان را از کجا اشتباهاً می‌خوانیم و کپی‌برداری می‌کنیم و به سمتش حرکت می‌کنیم؟ ما الگوی مطلوب خانواده را از کجا تقلب می‌کنیم؟ من خیلی وقت‌ها در این الگوبرداری‌های کورکورانه یاد این کسانی می‌افتم که در کنکورهای سراسری از روی بغل دستی تست می‌زنند؛ فارغ از اینکه سازمان سنجش زرنگ شده و دفترچه شما با کناری فرق می‌کند. سؤالات شما یک چیز دیگری است. اگر تست را از روی کناری بزنی، جوابش اشتباه است. ما در طراحی‌های نظامات حقوقی‌مان کورکورانه می‌رویم و فقط یک الگوگیری‌های ناقص و ناروایی را در نظامات اداری، اقتصادی و اجتماعی مثل لایحه حمایت از کودکان انجام می‌دهیم، غافل از اینکه داریم به سلول‌های بنیادین تشکیل دهنده بدنه اجتماعی‌مان ضربه وارد می‌کنیم. ما داریم این‌ها را از بین می‌بریم. بعد گلايه می‌کنیم چرا آمار طلاق رو به افزایش است؟ واقعا می‌خواهید بدانید که چرا آمار طلاق رو به افزایش است؟ برای اینکه شما بدون اینکه بدانید برای افزایش طلاق، برنامه‌ریزی کردید. شما بدون اینکه بدانید برای افزایش طلاق ساختارسازی کردید. تصور می‌کردیم که داریم خدمتی می‌کنیم فارغ از اینکه ای کاش هیچ کاری نمی‌کردیم. یعنی بعضی وقت‌ها در موضوعات دخالت نکنیم، مسیر عادی و عرفی جامعه مسیر بهتری را طی می‌کند تا اینکه ما بخواهیم مداخله بکنیم. در این مرحله خیلی مهم است که حواسمان باشد در طراحی تمامی نظامات، قرار است چه جایگاهی را برای زن تعریف کنیم؟ زن چه جایگاهی دارد؟ من نمی‌دانم؛ شاید این نگاه من، به نگاه خیلی‌ها خوش نیاید! من یک جورهایی زن را محور خانواده می‌دانم، نه مرد را. من احساس می‌کنم این عاطفه و این مودت و رحمت که در ازدواج وجود دارد و در مبانی دینی ما از آن استفاده شده، بیشتر مربوط به زن و مادر خانواده است. اصلاً رحمت و مودت جنسش با مرد نمی‌خواند. جنس مرد، اصولاً جنس لطیفی نیست. محوری که این مودت و رحمت را در خانواده تزریق می‌کند مادر خانواده است. به نظر من آن جاذبه و کششی که این سلول را دور هم نگه می‌دارد، عاطفه‌ی مادر خانواده است. من واقعاً نگاهم به خانواده این گونه است. خب ما چه نقشی برای این مادر خانواده یا همسر در خانواده و یا در اجتماع قائل شدیم؟ بالاخره بنیان محوری اداره‌ی اجتماع‌مان است. برای خانواده به مفهوم بزرگترش چه نقشی قائل شدیم؟ بعضی مفاهیم است که در تراث فقهی‌مان داریم و یک جورهایی برایمان لطیفه شده، مثل ضمان عاقله، ارث‌بری نسل‌های دوم و سوم از هم،

ولایت جد بر طفل، اصلاً الان این‌ها را فهم نمی‌کنیم. وقتی فکر می‌کنیم، می‌گوییم نعوذ بالله شارع مقدس حواسش نبوده یا شرایط تغییر کرده و این اقتضای جامعه‌ی جاهلی عرب بوده است. در نظام فکری ما مفهوم خانواده تغییر پیدا کرده است. ما مفهوم خانواده را فقط در پدر، مادر، خواهر و برادر منحصر کرده‌ایم و به معنای عام‌ترش یعنی پدر بزرگ، مادر بزرگ، عمو، خاله و دایی فکر نمی‌کنیم. در ذهن ما تقریباً این مفاهیم در حال محو شدن است. در نظام فکری ما این مفهوم خانواده به عنوان یک جزء بزرگتر آن سلول اجتماعی وجود ندارد. ما اگر به فکر تربیت هستیم، چه نقشی برای خانواده در تربیت قائل شدیم؟ اگر به فکر اقتصاد هستیم، چه نقشی برای خانواده در طراحی اقتصاد کشور قائل شدیم؟ اگر به فکر آموزش هستیم، چه نقشی برای خانواده در آموزش قائل شدیم؟ اگر به فکر پیشگیری از طلاق هستیم، اگر به فکر ترویج ازدواج آسان هستیم و مواردی که در سیاست‌های کلی خانواده آمده است، چه نقشی برای خود خانواده قائل شدیم؟ خود خانواده به مفهوم کوچک و بزرگش.

پس مرحله اول این بود که الگوی مطلوب را باید به روشنی و شفاف طراحی و ترسیم کنیم. مرحله دوم، نظامات حقوقی که طراحی می‌کنیم مبتنی بر آن الگوی مطلوب باشد و در راستای وصول به آن باشد؛ نه بی‌جهت و بدون توجه به آن.

۴- اهمیت اقدام و عمل در حوزه‌های مختلف با محور قرار دادن بنیان خانواده

مرحله سوم، اقدام و عمل است. چقدر اقدامات، تصمیم‌گیری‌ها، موضع‌گیری‌ها و اعمال ما، به ویژه در حوزه‌های حکومتی و همچنین در حوزه‌های غیرحکومتی و خصوصی و شخصی با محور قرار دادن بنیان خانواده است؟ ما وقتی به اشتغال فکر می‌کنیم، خانواده کجای شغل است؟ حتی وقتی به حقوق کارگر فکر می‌کنیم، خانواده کجاست؟ آیا مفهوم خانواده این است که فقط یک پولی به کارگری که متأهل است، بدهیم؟ به نظر همه این‌ها برای اصلاح، ترمیم و تقویت مسیر نیازمند کار جدی است.

در قسمت‌های پایانی صحبتیم باز هم تاکید می‌کنم که من تلاش‌هایی که صورت گرفته را زیر سؤال نمی‌برم ولی احساس می‌کنم در خیلی جاها در برابر نظام‌سازی‌های موازی که نسبت به نهاد خانواده و جایگاه زن شده است، نسبت به حقوق اجتماعی و سیاسی خودمان مغلوب واقع شده‌ایم. یعنی ما نتوانستیم الگوی خودمان را طراحی و در عرصه عمل اجرا کنیم. باید در این زمینه و در حوزه اقدام و عمل، جهش و طراحی فکری

داشته باشیم و به نظرم یکی از بهترین جاها برای این جهش، همین دانشگاه الزهرا است. این دانشگاه با تأسی به نام مقدسی که بر عنوان آن قرار دارد، خیلی خوب می‌تواند نقش خودش را در روشن کردن جایگاه زن، جایگاه خانواده و محور قرار دادن این مفاهیم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، تقنین، قضا و امثالهم ایفا بکند. به نظرم این دانشگاه تلاش‌هایی داشته است ولی باید یک حرکت جدی جهشی در این معنا داشته باشد.

۵- ضرورت وجود مشاورانی امین، متعهد و متخصص در دادگاه‌های خانواده

واقعا در حوزه مشاوره خانواده به کدام جهت رفته‌ایم که وکیل می‌رود به جای موکل در اتاق مشاور می‌نشیند و گواهی عدم امکان سازش موکلش را می‌گیرد و به دادگاه ارائه می‌دهد. مشاور گواهی می‌کند که من از حرف‌های وکیل متوجه شدم موکل نمی‌تواند با همسرش سازش کند. واقعاً ما داریم در جهت تقویت و حفظ بنیان خانواده تلاش می‌کنیم؟ در قانون حمایت از خانواده تدابیر نسبتاً خوبی اندیشیده شده است ولی راه طولانی تا رسیدن به مقصد وجود دارد. هم تدابیر خیلی بیشتری باید طراحی شود، هم نیازمند برنامه‌ریزی‌های اجرایی عملیاتی هستیم و هم وجود افراد ذی‌صلاحی که واقعاً دغدغه موضوع حمایت از بنیان خانواده را داشته باشند و مفهوم خانواده را به درستی درک و هضم کرده باشند. ما در فضای گفت‌وگویی زندگی می‌کنیم که یک سندی می‌آید که در آن مفهوم خانواده با مفهوم خانواده‌ای که مدنظر من و شما است به کلی متفاوت است. مثلاً خانواده می‌تواند از دو هم‌جنس تشکیل شده باشد! چنین خانواده‌ای مصداق سلول معیوبی است که من عرض کردم. یعنی یک تعریفی به ما عرضه می‌شود که ذاتش سلول ناقص است. حالا شما می‌خواهی با این تعریف مقابله بکنی، سلول واقعی را عرضه بکنی، بعد توسعه بدهی، ترویج بدهی، تکثیر بکنی، آن طرف مقابل هم بیکار ننشسته است؛ او هم دارد همین کارها را انجام می‌دهد، تبلیغ می‌کند، تکثیر می‌کند، توسعه می‌دهد، شما را محکوم می‌کند چرا از این سلول معیوب بنیان خانواده که متشکل از دو هم‌جنس است حمایت نمی‌کنی؟ دفاع هم باید بکنی. الان برای من و شما شوخی و خنده است. یک روزی همین موضوع ممکن است به واقعیت بپیوندد. اگر در این مسیر درست حرکت نکنیم، یک روزی به یک هجمه علیه ما تبدیل می‌شود. ممکن است ما واقعاً در معرض سؤال واقعی قرار بگیریم و حتی نظام اجتماعی مان به ما بگویند شما

مفهوم خانواده را درست فهم نکرده‌ای؛ مفهوم خانواده الزاماً به معنای دو غیرهم‌جنس نیست که در کنار هم زندگی مشترکی را تشکیل بدهند و صاحب فرزند شوند! نه؛ مفهوم خانواده می‌تواند متشکل از یک انسان و یک حیوان باشد. این مقصد برای این مسیری که مبتنی بر بنیان‌های نظام‌های حقوق بشری مدرن است و به ما آدرسش را می‌دهد، دور از ذهن نیست. این نظام‌ها الگوی مطلوب را برای ما طراحی می‌کنند، بعد ما تازه باید بنشینیم اول بسم الله را توضیح بدهیم. چون اول بسم الله را درست طراحی نکردیم. در عرصه مشاوره خانواده هم ما نیازمند کمک این‌گونه مراکز مثل دانشگاه الزهراء هستیم. واقعاً ما نیازمند مشاورانی امین، دلسوز، متعهد و متخصص هستیم. ما نیازمند مشاورانی هستیم که جایی که خانواده منتظر یک تلنگر برای فروپاشی است و به مرحله فروپاشی رسیده، بتواند آن مشاور او را از آن مرحله نجات دهد و به یک نقطه امنی باز گرداند. کار سختی است. کار من نیست. من چنین توانمندی ندارم. چنین افرادی نیازمند تربیت هستند. امثال دانشگاه الزهراء مکان‌های خوبی برای تربیت چنین اشخاصی هستند.

نقش و جایگاه زن و خانواده در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران

(دکتر محمد روشن)^۱

۱- محوریت زن در خانواده

من نقطه عزیمت عرضم را فرمایش آقای دکتر بهادری قرار می‌دهم که واقعاً آن چیزی که ایشان گفتند اعتقاد است. شما ببینید در حدیث کساء، جبرئیل از حضرت ذات احدیت سؤال می‌کند و می‌گوید این‌ها چه کسانی هستند؟ می‌گوید فاطمه و آبوها و بعلها و بنوها؛^۲ یعنی فاطمه به عنوان زن محور گزارش قرار می‌گیرد. من این را قبلاً هم عرض کرده‌ام. اعتقاد ما این است که وقتی در روایت گزارش داده می‌شود، می‌توانست بگوید حضرت محمد(ص) اشرف مخلوقات است، اما می‌گوید فاطمه و بعد ادامه گزارش؛ یعنی جایگاه همه با انتصاب به حضرت فاطمه زهرا (س) معلوم می‌شود. ایشان نقطه ثقل است. این اعتقاد ما است.

۲- اهمیت قاعده زوجیت در نظام تکوین و تشریح

من در سال ۹۱ یک نظریه‌ای را به عنوان قاعده جهانی زوجیت عرض کردم. شما می‌بینید خدای متعال در آیه ۴۹ سوره ذاریات می‌فرماید: «وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»؛ یعنی و از هر چیزی جفت آفریدیم باشد که متذکر شوید. بعد شما تکریم زوجیت تکوینی دارید. یعنی گفتند نرینگی و مادینگی و بعد این‌ها تکویناً با هم مزدوج می‌شوند و وقتی مزدوج می‌شوند یک مرحله تکاملی را طی می‌کنند.

۱. هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی.

۲. حدیث شریف کساء: «... فَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَا مَلَأْتُكَتِي وَيَا سَكَانَ سَمَوَاتِي إِنِّي مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَثْبُتَةً وَلَا أَرْضاً مَلْحِيَةً وَلَا قَمَراً مُبِيناً وَلَا شَمْساً مُضِيَّةً وَلَا فَلْكَاً يَدُورُ وَلَا بَحْراً يَجْرِي وَلَا فُلْكَاً يَسْرِي إِلَّا فِي مَحَبَّةٍ هُوَ لِأَنَّ الْحَمْسَةَ الَّذِينَ هُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ وَمَنْ تَحْتَ الْكِسَاءِ فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ هُمْ أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَمَعْدِنُ الرِّسَالَةِ هُمْ فَاطِمَةُ وَأَبُوهَا وَبَعْلُهَا وَبَنُوهَا...»... پس خدای عزوجل فرمود: ای فرشتگان من و ای ساکنان آسمان‌هایم به راستی که من نیافریدم آسمان بنا شده و نه زمین گسترده و نه ماه تابان و نه مهر درخشان و نه فلک چرخان و نه دریای روان و نه کشتی در جریان را مگر بخاطر دوستی این پنج تن اینان که در زیر کساینده پس جبرئیل امین عرض کرد: پروردگارا کیانند در زیر کساء؟ خدای عزوجل فرمود: آنان خاندان نبوت و کان رسالتند: آنان فاطمه است و پدرش و شوهر و دو فرزندش جبرئیل عرض کرد: پروردگارا آیا به من هم اذن می‌دهی...»

انسان موجودی است که خلق شد ولی به خودش وا نهاده شد، چون او عقل داشت. او به واسطه عقل و بنا بر فطرتش باید دنبال زوجیت برود. در جهان کائنات فرد و فردیت و اهلیت برای ذات حق تعالی است. هر چه که این زوجین، کفو و همتای همدیگر باشند و با همدیگر ادغام شوند و این «من» تبدیل به «ما» شود، امکان استمرار این زوجیت، بقا و دوام این نهاد اجتماعی بیشتر می‌شود. در واقع خداوند برای کائنات تکویناً زوجیت را گفت اما به ما چه گفت؟ «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»^۱ به آن‌ها تکوینی گفت و آن‌ها لابد و ناچاراً باید تبعیت کنند. به ما تشریحی گفت. گفت بروید ازدواج کنید. نبی مکرم اسلام و سایر ائمه معصومین علیهم‌السلام به گفتند: می‌دانید خدا از چه بیتی خوشش می‌آید؟ بیتی که یک زوج در آن زندگی کنند.^۲ می‌دانید خداوند از چه چیزی خیلی بدش می‌آید ولی حلال است؟ طلاق است. یعنی خداوند گفت من زوجیت را برای شما تشریح کردم. هر چه اهتمام به این امر کنید، خدا گونه می‌شوید. اتحاد و انسجام داخلی پیدا کنید و مسیر عدالتی که طی می‌کنید، معادهای نیک و فرجام‌های نیک را پیش روی شما قرار می‌دهد. بچه‌هایی که رشته شیمی هستند می‌دانند ترکیب‌هایی پایدارتر هستند که در آن خانه‌های آخر خالی وجود نداشته باشد. شما می‌گویید C 60

۱. ترجمه آیه ۳۲ سوره مبارکه‌ی نور: «مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است»

۲. مُحَمَّدٌ بْنُ يُحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «تَزَوَّجُوا وَ زَوَّجُوا أَلَا فَمِنْ حَظِّ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِتْفَاقُ قِيَمَةِ أَيْمَتِهِ وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يُعْمَرُ فِي الْأِسْلَامِ بِالنِّكَاحِ وَمَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَيَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ بَيْتٍ يُخْرَبُ فِي الْأِسْلَامِ بِالْفُرْقَةِ يَعْنِي الطَّلَاقَ ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّمَا وَكَّدَ فِي الطَّلَاقِ وَ كَرَّرَ فِيهِ الْقَوْلَ مِنْ بَعْضِهِ الْفُرْقَةُ.» تفصیل و سائل الشیعۀ الی تحصیل مسائل الشریعۀ، جلد ۲۲، صفحه ۷. صفوان بن مهران گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ازدواج کنید و برای فرزندانان همسر بگیرید همان‌که از بهره‌مندی‌های مرد مسلمان شوهر دادن زنان و دختران بی‌شوهر است. در پیشگاه الهی چیزی دوست‌داشتنی‌تر از خانه‌ای نیست که براساس آیین اسلام با ازدواج آباد شود و در پیشگاه الهی چیزی مبغوض‌تر از خانه‌ای نیست که اهل مسلمان آن با جدایی و طلاق ویران گردد. آن‌گاه امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی خدای عز و جلّ به جهت دشمنی با جدایی در مورد طلاق سخت‌گیری کرده و دستور تکرار درخواست طلاق را داده است.

پایدار است. می‌گویید چون هیچ اربیتال خالی ندارد. بعد می‌گوییم شکلش چطور است؟ می‌گوییم به شکل توپ است. می‌خواهم نظام تکوین را بگویم. می‌گویید مثل توپ گرد است؛ یعنی زاویه ندارد. با هر کجا برخورد کند بدون حادثه برمی‌گردد. اما اگر نهاد خانواده دارای زاویه بود، به هر کجا بخورد، قطعاً یک گوشه‌اش می‌پرد و گاهی اوقات منهدم و متلاشی می‌شود. این نظام کائنات است. نظام تشریح هم منطبق بر نظام کائنات چنین چیزی را به ما گفته است. من می‌خواهم قبل از اینکه به قانون اساسی بپردازم، نظریه‌ی مبنایی را عرض کنم که زوجیت قاعده جهانی است. چون ازدواج هم‌جنس‌ها در آلمان یک مقدار پیشرفت داشته است، یک سری از دوستان، در حوزه حقوق خانواده از شهر بوتینگن آلمان آمده بودند نزد ما و گفتند که ما مایل هستیم در بوتینگن به شما یک کرسی بدهیم. گفتند شما بیایید و بحث کنید که از ارکان ازدواج، غیر هم‌جنس بودن است. گفتیم خیلی خوب؛ می‌آییم. در خاطر من است در آن سفر جناب آقای محقق داماد، جناب دکتر مهرپور و دو سه نفر از دوستان، ما را همراهی می‌کردند. موقعی که به آنجا رفتیم در گام اول ملاحظه کردیم، خانمی که متصدی جلسه بودند و از ما دعوت کرده بودند، گفتند ببخشید ما قبلاً به شما گفته بودیم که چند میز می‌گذاریم. میز ادیان، مسلمانان و مسیحیان می‌نشینند و از نظریه‌شان که غیر هم‌جنس بودن جزء ارکان ازدواج است، دفاع می‌کنند. اما ببخشید، ما در این فرصت ۹ ماهه، یک میز دیگر هم اضافه کردیم و از شما دعوت کردیم. آن میز مربوط به بحث ازدواج با حیوانات است که انجمن‌هایش ثبت شده و رسمیت پیدا می‌کند. آن‌ها از ما به عنوان مسلمان می‌خواستند که بگویید: اولاً ازدواج باید با غیر هم‌جنس باشد، دوم اینکه ازدواج با حیوانات جایز نیست و دلایلش را بگویید. ما هم در واقع تمسک کردیم به همین نظریه که زوجیت یک قاعده است. ما باید از این قاعده که در نظام تکوین وجود دارد، پیروی کنیم.

۳- مقایسه تطبیقی نظام خانواده در جمهوری اسلامی ایران با اسناد حقوق بشری و دیگر کشورها

واقعیت این است که اسناد حقوق بشری هم اهمیت جایگاه خانواده را مورد توجه قرار داده‌اند. حالا ما گاهی اوقات فکر می‌کنیم آیا آن‌هایی که به بقا و دوام جامعه خودشان می‌اندیشند، می‌توانند ضد خانواده باشند؟ آن‌ها هم دنبال خانواده هستند. ما در حدود ۵۰ روز پیش یک ملاقات اختصاصی با مقام رهبری داشتیم. یک گروه خیلی کمی

خدمت ایشان رسیدیم. در واقع خیلی اندک بودیم. آنجا نکته‌ای را مطرح کردیم؛ گفتیم ۴۶ کشور اروپایی و غیرمسلمان، وزارت خانواده دارند ولی جمهوری اسلامی ایران که مدعی است خانواده رکن اصلی و اساس جامعه است این وزارتخانه را ندارد. همان جا کتباً به یکی از معاونین دفتر که حضور داشتند، فرمودند که این نکته را یادداشت کنید و به دولت توصیه شود. من کاری به این موضوع ندارم که انجام بشود یا نشود. می‌خواهم بگویم اگر کشورهای دیگر هم به بقاء و دوام جامعه‌شان فکر می‌کنند باید به خانواده فکر کنند. خانواده نشان از قدرت ملی دارد. خانواده تقویت کننده امنیت ملی است. خانواده اولین نهاد آموزشی است. در ماده (۱۶) اعلامیه جهانی حقوق بشر، حق ازدواج برای هر انسانی پیش‌بینی شده است.^۱ در ماده (۱۰)^۲ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و مواد ۱۷^۳ و ۲۳ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی شما

۱. ماده (۱۶) اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ میلادی مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد: «۱- هر مرد و زن بالغی حق دارند بی هیچ محدودیتی از حیث نژاد، ملیت، یا دین با همدیگر زناشویی کنند و تشکیل خانواده بدهند. در تمام مدت زناشویی و هنگام انحلال آن، زن و شوهر در امور مربوط به ازدواج حقوق برابر دارند.

۲- ازدواج حتماً باید با رضایت کامل و آزادانه زن و مرد صورت گیرد.

۳- خانواده رکن طبیعی و اساسی جامعه است و باید از حمایت جامعه و دولت بهره مند شود.»

۴. ماده (۱۰) میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد: «کشورهای طرف این میثاق اذعان (قبول) دارند که: خانواده که عنصر طبیعی (۱۴) و اساسی جامعه است باید از حمایت و مساعدت به حد اعلائی ممکن برخوردار گردد به ویژه برای تشکیل و استقرار آن و مادام که مسئولیت نگاه‌داری و آموزش و پرورش کودکان خود را به عهده دارد. ازدواج باید با رضایت آزادانه طرفین که قصد آن را دارند واقع شود. مادران در مدت معقولی پیش از زایمان و پس از آن باید از حمایت خاص برخوردار گردند. در آن مدت مادران کارگر باید از مرخصی با استفاده از حقوق و یا مرخصی با مزایای تأمین اجتماعی کافی برخوردار گردند. تدابیر خاص در حمایت و مساعدت به نفع کلیه اطفال غیرممیز و ممیز (۱۵) بدون هیچ گونه تبعیض به علت نسب یا علل دیگر باید اتخاذ بشود. اطفال غیرممیز و ممیز باید در مقابل استثمار اقتصادی و اجتماعی حمایت شوند. واداشتن اطفال به کارهایی که برای جهات اخلاقی یا سلامت آن‌ها زیان‌آور است یا زندگی آن‌ها را به مخاطره می‌اندازد یا مانع رشد طبیعی آنان می‌گردد باید به موجب قانون قابل مجازات باشد.»

۴. ماده (۱۷) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد: «هیچکس نباید در زندگی خصوصی و خانواده و اقامتگاه یا مکاتبات مورد مداخلات خودسرانه (بدون مجوز) یا خلاف قانون قرار گیرد و همچنین شرافت و حیثیت او نباید مورد تعرض غیر قانونی واقع شود.» ماده (۲۳): «۱- خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه است و استحقاق حمایت جامعه و حکومت

می‌بینید در آن‌ها هم حق بر زندگی خانوادگی پیش‌بینی شده است. یعنی جزء حقوق بنیادین من و شما است که باید در بستر خانواده متولد شویم. در بستر خانواده رشد کنیم و خانواده جدید تشکیل دهیم. ما الان در همان قانونی که آقای دکتر بهادری اشاره کردند، نگاه‌مان این است که به یک خانواده بدون فرزند، کودکی می‌دهیم تا نگهداری کند. این نگاه، نگاه خودخواهانه است. شما برای ارضای حس غریزه‌ی پدری و مادری به کسی که نقصی دارد کودکی عطا می‌کنید. این خدمت به آن زن و مرد است. اما حالا نگاه‌تان را عوض کنید. ما می‌گوییم چون داشتن خانواده از حقوق بنیادین کودک محسوب می‌شود، به کودک فاقد خانواده، خانواده عطا می‌کنیم. ببینید چقدر نگاه عوض شد. یعنی محور حمایتی‌مان کودک است. آنجا محور حمایتی‌مان زن و مردی است که به هر دلیلی نتوانستند دارای فرزند شوند. پس این یک حق بنیادین است. اگر من به صورت طبیعی این را نداشته باشم دولت وظیفه دارد خانواده‌ها را تشویق کند که ما آن‌ها را به کودکان اهدا کنیم.

۴- لزوم تدوین سازکارهای لازم برای اصلاح نظام خانواده

یک خطایی که ما مرتکب شده و می‌شویم این است که ما هر چیزی را دولتی می‌کنیم. در واقع هر چیزی را در این تراز می‌بریم که یک وظیفه‌ای برای یک ارگان تهیه کنیم. الان مفهوم سنتی خانواده کم‌رنگ شده است. در کشورهایی که ما اصلاً فکر نمی‌کنیم، مشوق‌هایی را برای تشکیل خانواده برقرار کرده‌اند. در استرالیا گفته‌اند اگر سه نسل با هم زندگی کنند، معافیت‌های مالیاتی دارند. در ایران وضع چگونه است؟ زن و مرد وقتی با هم ازدواج می‌کنند همچنان از آنها مالیات کسر می‌شود. در برخی از کشورها وقتی افراد با هم ازدواج می‌کنند مالیات کم می‌شود. اینکه دولت بگوید اگر شما زوج باشید هزینه‌هایتان پایین می‌آید، می‌تواند مشوق‌های جدی برای حفظ خانواده باشد. جالب است اخیراً یک بحث زیست‌محیطی مطرح شده که طلاق یک امر ضد زیست‌محیطی است. خیلی ساده، قشنگ و زیرکانه هم نتیجه گرفته‌اند. گفته‌اند اگر یک تلویزیون روشن

را دارد. ۲- حق نکاح و تشکیل خانواده برای زنان و مردان از زمانی که به سن ازدواج می‌رسند به رسمیت شناخته می‌شود. ۳- هیچ نکاحی بدون رضایت آزادانه و کامل طرفین آن منعقد نمی‌شود. ۴- دولتهای طرف این میثاق تدابیر مقتضی به منظور تأمین تساوی حقوق و مسئولیتهای زوجین در مورد ازدواج در مدت زوجیت و هنگام انحلال آن اتخاذ خواهند کرد. در صورت انحلال ازدواج پیش‌بینی‌هایی برای تأمین حمایت لازم از اطفال به عمل خواهند آورد.»

شود، دو نفر نگاه می‌کنند. وقتی طلاق رخ می‌دهد دوتا تلویزیون روشن می‌شود و دو تا برق مصرف می‌شود. اگر طلاق اتفاق افتد، دوتا فریز و دوتا یخچال می‌شود. یعنی واقعاً طلاق از دید آنها بحث‌های زیست محیطی هم دارد. می‌گویند اگر طلاق کمتر رخ دهد در مصرف انرژی هم صرفه‌جویی می‌شود. افرادی که از هم جدا می‌شوند که یک دفعه خانه ۱۲۰ متری‌شان، شصت متر نمی‌شود. احیاناً این خانه ۱۲۰ متری، به دوتا شصت متری تجزیه می‌شود. یعنی گرمایش و سرمایش این امر، تحمیلی بر محیط زیست است. می‌خواهم بگویم از هر زاویه‌ای به موضوع خانواده نگاه کنید، باید به شکل جدی به آن پرداخت.

نکته جالبی که وجود دارد این است که تا به حال دیده‌اید نامزدهای نمایندگان مجلس شورای اسلامی و یا مهم‌تر از آن، نامزدهای ریاست جمهوری، گفته باشند اگر من نماینده مجلس یا رئیس جمهور شوم، خانواده را این‌طور می‌کنم؟ هیچ ندیده‌ایم؛ چون خانواده مهم نیست. اما در تبلیغات راجع به انواع انرژی‌ها و انرژی هسته‌ای شعار می‌دهیم. راجع به سیاست خارجی می‌نویسیم. تبلیغات انتخاباتی را در یک کشور اروپایی و در ایران مقایسه کنید. می‌بینید آن‌ها راجع به رفاه اجتماعی و نهاد خانواده صحبت می‌کنند. اصلاً راجع به سیاست خارجه صحبت نمی‌کنند ولی ما گاهی اوقات بار اصلی تبلیغات انتخاباتی‌مان روی سیاست خارجی‌مان است و از وظایفی که اصول مختلف قانون اساسی بر عهده‌ی ما گذاشته است، غفلت می‌کنیم. از منظر حقوق بشر حق بر خانواده، حقی بنیادین، مدنی و اجتماعی است که مستلزم تکالیف سلبی و ایجابی دولت‌ها در این حوزه است. برای مثال در اصل ده قانون اساسی مقرر شده است: «از آن‌جا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط باید در جهت آسان‌کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد.» حتماً قبل از عرایض من، دوستان مفصل صحبت کرده‌اند. اما نکته جالبی که آقای دکتر بهادری در ارتباط با لایحه تفسیر قانونی مجلس شورای اسلامی پیرامون قانون اصلاح خدمت نیروی انسانی درمانی و بهداشتی مصوب ۱۳۵۸/۹/۲۴ و قانون اصلاح خدمت خارج از مرکز پزشکان و دندان‌پزشکان و داروسازان مصوب ۱۳۶۰/۱۱/۴ بیان کردند بسیار زیبا است. اینکه

شورای محترم نگهبان این لایحه را مغایر با اصل دهم قانون اساسی اعلام کرده است بسیار قابل توجه است.

۵- نقد عملکرد قوه قضائیه در حوزه خانواده

در مورد عملکرد قوه قضائیه، در ابتدا من به شما عرض می‌کنم که قانون حمایت از خانواده سال ۱۳۵۳، سال ۴۶۲ و سال ۹۱۳ را بخوانید؛ قانون حمایت از طلاق است. شما نگاه کنید قانون این است که اگر مرد شاغل بود، شغلش منافی مصالح خانواده بود چه کار کنیم، اگر زن بود چه کار کنیم. برای ازدواج مجدد، گرفتن رضایت زوجه اول و یا اذن از دادگاه الزامی است.^۴ این‌ها قانون حمایت خانواده است. اگر اسم قانون حمایت خانواده را قانون حمایت از طلاق بگذارید، خیلی بی‌جا نگفتید. البته نکات مثبت مثل پیش‌بینی وجود مرکز امور مشاوران خانواده در این قانون و از این دست مسائلی نکات خوبی است. البته شما باز می‌بینید آن بحث مهریه و ۱۱۰ سکه بهار آزادی و مسائل این

۱. قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۵۳/۱۱/۱۵ مجلس شورای ملی: « ماده ۱ - به کلیه اختلافات مدنی ناشی از امر زناشویی و دعاوی خانوادگی و امور مربوط به صغار از قبیل نصب و عزل قیم و ضم و امین در دادگاههای شهرستان و در نقاطی که دادگاه شهرستان نباشد در دادگاه بخش رسیدگی می‌شود رسیدگی به امور مذکور در تمام مراحل دادرسی بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی خواهد بود. ماده ۲ - منظور از دعاوی خانوادگی دعاوی مدنی بین هر یک از زن و شوهر و فرزندان و جد پدری و وصی و قیم است که از حقوق و تکالیف مقرر در کتاب هفتم در نکاح و طلاق (منجمله دعاوی مربوط به تجهیزیه و مهر زن) و کتاب هشتم در اولاد و کتاب نهم در خانواده و کتاب دهم در حجر و قیمومت قانونی مدنی همچنین از مواد ۱۰۰۵ و ۱۰۰۶ و ۱۰۲۸ و ۱۰۲۹ و ۱۰۳۰ قانون مذکور و مواد مربوط در قانون امور حسبی ناشی شده باشد. ماده ۳ - دادگاه می‌تواند هر نوع تحقیق و اقدامی را که برای روشن شدن موضوع دعوی و احقاق حق لازم بداند از قبیل تحقیق از گواهان و معلمین استمداد از مددکاران اجتماعی و غیره به هر طریق که مقتضی باشد انجام دهد. ۴ - ...»

۲. قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶/۰۳/۲۵ مجلس شورای ملی.

۳. قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ مجلس شورای اسلامی.

۴. ماده (۵۶) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ مجلس شورای اسلامی: «هر سردفتر رسمی که بدون اخذ گواهی موضوع مواد (۲۳) و (۳۱) این قانون یا بدون اخذ اجازه نامه مذکور در ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی یا حکم صادر شده در مورد تجویز ازدواج مجدد یا برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی به ثبت ازدواج اقدام کند یا بدون حکم دادگاه یا گواهی عدم امکان سازش یا گواهی موضوع ماده (۴۰) این قانون یا حکم تفیذ راجع به احکام خارجی به ثبت هریک از موجبات انحلال نکاح یا اعلام بطلان نکاح یا طلاق مبادرت کند، به محرومیت درجه چهار موضوع قانون مجازات اسلامی از اشتغال به سردفتری محکوم می‌شود.»

چنینی وجود دارد.^۱ ضمناً مگر قرار نبود مطابق اصل ۲۱ قانون اساسی^۲ برای حفظ کیان و بقای خانواده دادگاه‌های اختصاصی پیش‌بینی کنیم؟ آیا پیش‌بینی کردید؟ چه کار کردید؟ مجتمع‌های قضایی اختصاصی درست کردید که رسیدگی‌های آن‌ها تخصصی نیست. اصلاً ما برای چه هدفی مجتمع قضایی خانواده درست کردیم؟ برای اینکه یک-سری قضات ماهر در امر خانواده را در مجتمع قضایی جمع کنیم که دانش لازم را داشته باشند؛ شاید اندکی روانشناسی، جامعه‌شناسی خانواده و اندکی پزشکی بدانند تا بتوانند حکم بین رشته‌ای که صادر می‌کنند، یک حکم مناسب باشد. ما تنها گفته‌ایم قضات متأهل باشند، چهار سال هم سابقه قضایی داشته باشند، حتی نگفته‌ایم تأهل‌شان به صورت نسبی موفق باشد؛ گفته‌ایم صرف متأهل بودن کافی است. شما می‌دانید که گاهی اوقات قضات ما و هر رسیدگی‌کننده‌ای تحت تاثیر عواطف و احساسات‌شان قرار می‌گیرند. بالاخره ما انسان هستیم.

موضوع دیگر مربوط به انتقادی است که به رئیس محترم وقت قوه قضائیه در مورد دادگاه‌های خانواده وارد شد. علی‌رغم اینکه بنا بر اصل ۲۱ قانون اساسی باید دادگاه‌های خانواده ایجاد کنیم، مهمترین نقیصه‌ی این دادگاه‌ها، عدم رسیدگی تخصصی است. قضات باید در این زمینه آموزش می‌دیدند. آیا قضات آموزش‌های لازم را دیده‌اند یا صرف چهار سال متأهل بودن کافی است؟ اگر مهم است، پس باید به آن اهمیت داد. در اسفند ۹۱ در تبصره ماده دو قانون حمایت از خانواده مقرر شد قوه قضائیه حداکثر ظرف پنج سال به تأمین قاضی مشاور زن برای کلیه دادگاه‌های خانواده اقدام کند و در این

۱. ماده (۲۲) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ مجلس شورای اسلامی: «هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده (۲) قانون اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است.»

۲. اصل ۲۱ قانون اساسی: «دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

- ۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او
- ۲- حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند، و حمایت از کودکان بی سرپرست
- ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده
- ۴- ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست
- ۵- اعطای قیمومت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.»

مدت می‌تواند از قاضی مشاور مرد که واجد تصدی دادگاه خانواده باشد استفاده کند.^۱ خب چه شد؟ ما سال ۹۱ قانون تصویب کردیم. در سال ۹۶ باید کلیه شعب دادگاه‌های خانواده یک قاضی مشاور زن داشته باشند. ما چه کار کردیم؟ رئیس محترم وقت قوه قضائیه در اسفند ۹۴ از مقام معظم رهبری استیذان می‌کند که امکان اجرای مفاد این ماده نیست و به بعد موکول شود. انتقادی که وارد است، این است که هنوز سال ۹۶ نشده ما اظهار عجز می‌کنیم. اما شاید اعتقاد به زن وجود ندارد. شاید گاهی اوقات ما احساس می‌کنیم این دادگاه خانواده که مهم نیست، فعلاً دادگاه مفاسد اقتصادی مهم‌تر است. دادگاه مفاسد اقتصادی یکی از نتایج عدم کارکرد مفید خانواده است. در نهاد خانواده «درست‌کاری» را به ما یاد می‌دهند. در نهاد خانواده ارزش‌های اجتماعی نهادینه می‌شود. در نهاد خانواده است که به ما می‌گویند پسر فلانی زرتنگ است و چه کرده است. در نهاد خانواده است که به ما می‌گویند وای بر کسی که حق دیگران را تضییع کرده و درهم و دینار انباشته کرده است. بعد آمدیم چه کار کردیم؟ گفتیم ما فعلاً قضات زن را نمی‌خواهیم. قضات زن چه کار می‌کردند؟ در دادگاه خانواده به قاضی مرد می‌گفت، ببخشید اینجا را شما متوجه نمی‌شوی؛ اجازه بده من برای تو توضیح دهم. چون بالاخره خانم‌ها یک‌سری مسائل و مشکلات دارند که به قاضی مشاور زن ممکن است بگویند ولی به قاضی مرد نگویند. من در ایام سال ۶۷ به مدت ۹ ماه رسیدگی‌هایی داشتم. ایام ارتحال امام بود که خانمی آمده بود و از مرد شکایت داشت. همین که این خانم گفت: بسم الله الرحمن الرحیم، رادیو را که باز کردیم گفت امام به رحمت خدا رفته است. ما فکر کردیم بحث آغاز می‌شود. ما تا چهلم امام صبر کردیم ولی این خانم آخرش نگفت شکایتش از زوج چیست. به خاطر اینکه می‌خواست بگوید این شوهر من، زندگی و رفتار جنسی غیرمتعارف دارد. می‌خواست این را به ما بگوید. چند بار گفتم خانم شما

۱. ماده (۲) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱ مجلس شورای اسلامی: «دادگاه خانواده با حضور رئیس یا دادرس علی‌البدل و قاضی مشاور زن تشکیل می‌گردد. قاضی مشاور باید طرف سه روز از ختم دادرسی به طور مکتوب و مستدل در مورد موضوع دعوی اظهار نظر و مراتب را در پرونده درج کند. قاضی انشاءکننده رأی باید در دادنامه به نظر قاضی مشاور اشاره و چنانچه با نظر وی مخالف باشد با ذکر دلیل نظریه وی را رد کند.

تبصره - قوه قضائیه موظف است حداکثر ظرف پنج سال به تأمین قاضی مشاور زن برای کلیه دادگاه‌های خانواده اقدام کند و در این مدت می‌تواند از قاضی مشاور مرد که واجد شرایط تصدی دادگاه خانواده باشد استفاده کند.»

بلند شو برو؛ شما شکایتی از شوهرت نداری. می‌گویی رفتی مجلس ختم شرکت کردی، بعد رفتی روضه؛ شما به من بگو چرا از شوهرت ناراحت هستی؟ می‌گفت الان می‌گویم، اجازه بده. آخر الامر بعد از چند جلسه گفت این آقا رفتار غیرمتعارف دارد. گفتم خب از همان اول می‌گفتی. حالا ما قاضی مشاور زن را حذف کردیم. شما فکر می‌کنید با این کاری که کردیم امکان متلاشی شدن خانواده افزوده یا کاسته شده است؟ قطعاً افزایش پیدا می‌کند. ما رفتار خودمان را نسبت به خانواده ارزیابی کنیم

بحث وکیل را فرمودند؛ برای دادگاه خانواده می‌گویید قاضی باید متأهل و چهار سال سابقه کار داشته باشد اما وکیل مجرد ما می‌تواند پرونده خانواده قبول کند! مگر غیر از این است؟ وکیل مجرد می‌تواند پرونده خانواده بگیرد. آیا امکان لغزش، امکان تشویق به طلاق در وکیل مجرد نیست؟ اصلاً می‌فهمد خانواده چیست؟ واقعاً کسی که خانواده تشکیل نداده، می‌فهمد خانواده چیست؟ برخی از شما مجرد هستید و متوجه نیستید، آن‌هایی که متأهل هستند، می‌فهمند خانواده چیست. شما فرزندی را می‌فهمید. والدینی برخوردار کردن را نمی‌فهمید. شما همسری را نمی‌فهمید. زوجیت را نمی‌فهمید. ما یک مطالعه عمیق نسبت به بچه‌هایی که پدر از دست داده بودند انجام دادیم. پسرانی که پدر از دست داده بودند اخلاقی زنانه داشتند. بچه‌هایی که تا سن قبل از ورود به مدرسه پدر از دست داده بودند، اخلاقی زنانه داشتند. چرا؟ به ویژه اینکه اگر فرزند بعدی خواهر بود و با مادر زندگی می‌کردند؛ چون عشق ورزیدن را ندیده بودند. این‌ها در ازدواج‌های بعدی‌شان یک مقدار مشکل داشتند؛ چون ندیده بودند همسری یعنی چه؟ این مرد رفته ازدواج کرده، می‌خواهد نسبت به همسرش عشق ورزی کند اما در خانواده ندیده پدر چگونه رفتار عاشقانه انجام می‌دهد. عاشقانه زندگی کردن یعنی چه؟ یعنی برای همسرش تب کند و وقتی برای همسرش کوچکترین مشکلی به وجود می‌آید، نگران و مضطرب شود. یعنی خودش را برای همسرش فدا کند.

می‌خواهم بگویم این بلا را به سر اصل ۲۱ قانون اساسی در آوردیم. حالا دادگاه‌هایی داریم که این دادگاه‌ها اختصاصی هستند. حتی این نقد را به قوه قضائیه کنیم که چرا ما ترجیح می‌دهیم دانش آموختگان رشته حقوق خصوصی در این گونه دادگاه‌ها شاغل باشند؟ اکنون کارشناسی ارشد حقوق خانواده داریم، این‌ها باید در این دادگاه‌ها شاغل باشند.

۶- نقد عملکرد قوه مقننه در حوزه خانواده

مشکلات موجود در حوزه قوانین مربوط به خانواده را در قوه مقننه هم جستجو کنیم. ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده که در مورد ازدواج مجدد بود، با یک قیام و قعود حذف شد. گفتند راجع به ازدواج مجدد حرف نزنیم؛ خوب نیست.

یک انتقاد دیگر به قوه مقننه این است که قرار بود قانون حمایت خانواده، جامع قوانین خانواده و نسخ کلیه قوانین قبلی باشد. شما می‌دانید ما جرأت نکردیم که بگوییم قانون حمایت خانواده مصوب ۵۳ منسوخ شد؛ چون هنوز ما به تعدادی از مواد آن قانون استناد می‌کنیم. پس حتی در قانون‌نویسی نتوانستیم یک قانون جامع داشته باشیم. الان وقتی بچه‌ها می‌خواهند در رساله‌هایشان یا در پایان‌نامه‌هایشان حرف بزنند، می‌گوئیم منظورتان از قانون حمایت خانواده، مصوب ۹۱ یا ۵۳ است؟ بعد گفتیم به خاطر جو جامعه، در ماده ۲۲ راجع به ازدواج مجدد حرف نزنیم و ره‌ایش کنیم؛ در ماده ۱۸ حرف زدیم. یک دفعه یکی گفت من یک پیشنهاد دارم؛ هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا ۱۱۰ سکه بهار آزادی یا معادل آن باشد وصول آن مشمول مقررات ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه بیش از این میزان باشد، در خصوص مازاد فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. آن موقع آئین‌نامه داخلی مجلس اجازه می‌داد که در صحن علنی، یک فردی یک پیشنهادی بدهد و یک قیام و قعود صورت بگیرد. یکی از نمایندگان گفتند من یک پیشنهاد دارم: مهریه سقف داشته باشد. مهریه نمی‌تواند سقف داشته باشد. البته من مهریه‌های غیرمتعارف را منصرف از این می‌دانم؛ چون نشان از سفاقت زوج دارد. دوستان حقوقی می‌دانند در ابتدا باید یک تصور کرد و بعد تصدیق کرد. این آقایی که ۱۳۷۵ سکه بهار آزادی مهریه خانمش می‌گذارد، این آدم اصلاً تصویری از یک سکه بهار آزادی ندارد. می‌گوید پانصد سکه.. ببینید این آدمی که ۱۳۷۵ سکه مهریه می‌گذارد، این مهریه غیرمتعارف است. آیا اصلاً این شخص قصد جدی بر مهریه دادن دارد؟ من به عنوان یک حقوقی می‌خواهم در اراده این فرد خدشه وارد کنم. این شخص قصد جدی ندارد. حالا گفته‌اند مهریه سقف داشته باشد. من طرفدار سقف نیستم. در همین کتابم هم نوشته‌ام مهریه‌های غیرمتعارف منصرف از این موضوع هستند. بعد از من حضرت آیت الله مکارم شیرازی فتوا داد. با صدای بلند عرض می‌کنم؛ من می‌خواهم بگویم مهریه غیرمتعارف، عند الاستطاعه هم غلط است. وقتی مهریه ۱۳۷۵ عدد سکه می‌شود، مصیبت به بار می‌آورد.

امام خمینی (ره):

و از شورای محترم نگهبان می‌خواهم و توصیه می‌کنم، چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده که با کمال دقت و قدرت و ظایف اسلامی و ملی خود را ايفا و تحت تاثیر بیچ قدرتی واقع نشوند و از قوانین مخالف با شرع مطهر و قانون اساسی بدون بیچ ملاحظه ای جلوگیری نمایند.

(صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۴۲۲)



بزهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمری،
کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲
صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵
تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵
info@shora-rc.ir
www.shora-rc.ir